



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

گفتارهایی دربارهٔ روابط والدین با کودکان



شکبها ساریات جوهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان

نویسنده:

شکیبا سادات جوهری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۸	دیباجه
۲۰	پیش گفتار
۲۵	۱. تربیت خانوادگی کودکان
۲۵	اشاره
۲۵	الف) مفهوم تربیت
۲۵	ب) خانواده و تربیت
۲۵	اشاره
۲۶	یک - نقش پدر در خانواده و تربیت کودک
۲۸	دو - نقش مادر در تربیت کودک
۲۹	سه - توجه به تربیت کودک، پیش از انعقاد نطفه
۳۰	چهار - توجه به نیازهای همه جانبه فرزند
۳۲	۲. تربیت دینی کودکان
۳۲	اشاره
۳۳	الف) ضرورت تربیت دینی
۳۵	ب) ارتباط کودک با خدا
۳۶	ج) آموزش دینی در دوران کودکی
۳۷	د) عوامل اثرگذار بر تربیت دینی کودکان
۳۷	اشاره
۳۷	یک - تربیت دینی کودک در قالب بازی

۳۹	دو- روش تربیتی عادت
۳۹	سه - تربیت دینی کودکان در قالب مراسم دینی
۴۰	چهار- روش تجربه زندگی
۴۱	پنج - روش تربیتی عفو
۴۱	شش - کودک و دوستان
۴۲	هفت - آشناسازی کودکان با اهل بیت(ع)
۴۲	اشاره
۴۲	اول - آشنایی کودکان با فضایل اهل بیت(ع)
۴۳	دوم - آشناسازی کودکان با داستان های معصومان(ع)
۴۳	سوم - آشناسازی کودکان با پند و اندرزهای معصومان(ع)
۴۵	۳. تربیت اخلاقی و عاطفی کودکان
۴۵	اشاره
۴۵	الف) تربیت اخلاقی
۴۵	اشاره
۴۶	یک - آموزش عملی
۴۸	دو- وقت گذاشتن برای کودکان
۴۹	سه - ایجاد عادت های پسندیده
۵۰	چهار - جلوگیری از شکل گیری خصلت های ناپسند
۵۱	ب) تربیت عاطفی کودکان
۵۴	۴. آسیب شناسی تربیت دینی کودکان
۵۴	اشاره
۵۴	الف) آسیب های وراثتی
۵۵	ب) آسیب های محیطی
۵۵	ج) آسیب های تغذیه ای
۵۷	د) آسیب های ناشی از مریبان
۵۷	اشاره

- یک - سهل انگاری خانواده ها ۵۷
- دو- شخصیت والدین ۵۸
- سه - هماهنگ نبودن رفتار با گفتار ۶۱
- چهار- نظارت و مراقبت نکردن ۶۲
- پنج - مقایسه کردن کودکان با یکدیگر ۶۲
- شش - روش های تربیتی آسیب زا ۶۴
- اشاره ۶۴
- اول - ناز پرورده گی ۶۴
- دوم - رفتارهای تحقیرآمیز ۶۶
- سوم - اجبار و اکراه ۶۷
- چهارم - خشونت و سخت گیری بیجا ۶۸
- پنجم - تبعیض و بی عدالتی ۶۹
- ششم - ترساندن کودک ۷۱
۵. سیره اخلاقی و تربیتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با کودکان ۷۳
- اشاره ۷۳
- الف) احترام والدین به کودکان ۷۴
- ب) شاد کردن کودکان ۷۵
- ج) عدالت ورزی بین فرزندان ۷۶
- د) پرورش سخاوت در وجود کودک ۷۷
- ه-) سلام کردن به کودک ۷۹
- و) گذاشتن نام نیک بر کودک ۸۰
- ز) پرهیز از کودک آزاری ۸۲
- ح) آموزش اصول دینی ۸۳
۶. دیدگاه برخی اندیشمندان اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت ۸۵
- اشاره ۸۵
- الف) نظر ابن سینا ۸۶

۸۷ ----- (ب) نظر فردوسی و ناصر خسرو

۸۸ ----- (ج) نظر غزالی

۸۹ ----- (د) نظر نظامی گنجوی

۹۵ ----- ۷. نکته هایی درباره تربیت فرزندان -

۹۹ ----- کتابنامه

۱۰۱ ----- درباره مرکز

گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان

مشخصات کتاب

سرشناسه: جوهری، شکیباسادات، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدیدآور: گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان / شکیباسادات جوهری؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۰ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵سم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۴۶-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: والدین و کودک (اسلام)

موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام)

موضوع: اسلام و آموزش و پرورش

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ م۳ ج۹/۴/۲۵۳ BP

رده بندی دیویی: ۶۴۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۳۱۵۷۰

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان

شکیباسادات جواهری

تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.

ص: ۲

گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان

کد: ۱۵۴۸

نویسنده: شکبیا سادات جوهری

ویراستار: محبوبه ابرنجی

ناشر: دفتر عقل

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

چاپ: زلال کوثر

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۳۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ - ۰۲۵۱ - دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ - نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۴۶-۷ / ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۴۶-۷ ISBN:

ص: ۳

دیباچه ۵

پیش گفتار ۷

۱. تربیت خانوادگی کودکان ۱۲

الف) مفهوم تربیت ۱۲

ب) خانواده و تربیت ۱۲

یک - نقش پدر در خانواده و تربیت کودک ۱۳

دو - نقش مادر در تربیت کودک ۱۵

سه - توجه به تربیت کودک، پیش از انعقاد نطفه ۱۶

چهار - توجه به نیازهای همه جانبه فرزند ۱۷

۲. تربیت دینی کودکان ۱۹

الف) ضرورت تربیت دینی ۲۰

ب) ارتباط کودک با خدا ۲۲

ج) آموزش دینی در دوران کودکی ۲۳

د) عوامل اثرگذار بر تربیت دینی کودکان ۲۴

یک - تربیت دینی کودک در قالب بازی ۲۴

دو - روش تربیتی عادت ۲۵

سه - تربیت دینی کودکان در قالب مراسم دینی ۲۵

چهار - روش تجربه زندگی ۲۶

پنج - روش تربیتی عفو ۲۷

شش - کودک و دوستان ۲۷

هفت - آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع) ۲۸

اول - آشنایی کودکان با فضایل اهل بیت (ع) ۲۸

دوم - آشناسازی کودکان با داستان های معصومان (ع) ۲۹

سوم - آشناسازی کودکان با پند و اندرزهای معصومان (ع) ۲۹

۳. تربیت اخلاقی و عاطفی کودکان ۳۱

الف) تربیت اخلاقی ۳۱

یک - آموزش عملی ۳۲

دو - وقت گذاشتن برای کودکان ۳۴

سه - ایجاد عادت های پسندیده ۳۵

چهار - جلوگیری از شکل گیری خصلت های ناپسند ۳۶

ب) تربیت عاطفی کودکان ۳۷

۴. آسیب شناسی تربیت دینی کودکان ۴۰

الف) آسیب های وراثتی ۴۰

ب) آسیب های محیطی ۴۱

ج) آسیب های تغذیه ای ۴۱

د) آسیب های ناشی از مرییان ۴۳

یک - سهل انگاری خانواده ها ۴۳

دو - شخصیت والدین ۴۴

سه - هماهنگ نبودن رفتار با گفتار ۴۷

چهار- نظارت و مراقبت نکردن ۴۸

ص: ۲

پنج- مقایسه کردن کودکان با یکدیگر ۴۸

شش- روش های تربیتی آسیب زا ۵۰

اول- ناز پروردگی ۵۰

دوم- رفتارهای تحقیر آمیز ۵۲

سوم - اجبار و اکراه ۵۳

چهارم - خشونت و سخت گیری بیجا ۵۴

پنجم - تبعیض و بی عدالتی ۵۵

ششم - ترساندن کودک ۵۷

۵. سیره اخلاقی و تربیتی رسول اکرم(ص) در برخورد با کودکان ۵۹

الف) احترام والدین به کودکان ۶۰

ب) شاد کردن کودکان ۶۱

ج) عدالت ورزی بین فرزندان ۶۲

د) پرورش سخاوت در وجود کودک ۶۳

ه-) سلام کردن به کودک ۶۵

و) گذاشتن نام نیک بر کودک ۶۶

ز) پرهیز از کودک آزاری ۶۸

ح) آموزش اصول دینی ۶۹

۶. دیدگاه برخی اندیشمندان اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت ۷۱

الف) نظر ابن سینا ۷۲

ب) نظر فردوسی و ناصر خسرو ۷۳

ج) نظر غزالی ۷۴

د) نظر نظامی گنجوی ۷۵

ص: ۳

۷. نکته هایی درباره تربیت فرزندان ۸۱

کتاب نامه ۸۵

ص: ۴

همه مکتب‌ها، مذهب‌ها و ملت‌ها برای تربیت در دوران کودکی اهمیت ویژه‌ای قائلند. اساساً شالوده هر جامعه سالم با تعلیم و تربیت درست شکل می‌گیرد و نقش سازنده و اساسی مربیان و پدران و مادران را در راستای تربیت فرزندان صالح نمی‌توان نادیده گرفت. والدین باید با برنامه‌ریزی تربیتی و دینی، به دنبال ایجاد توازن میان جسم و جان فرزندان باشند، به گونه‌ای که آنان را به فضایل اخلاقی بیاریند و آمادگی و استعداد لازم را برای تجلی ایمان در اندیشه و رفتارشان فراهم آورند. در واقع، فرزندان از جمله نعمت‌های ارزنده پروردگار به انسان‌ها هستند و اگر در مسیر تکامل و هدایت قرار گیرند، راه سعادت و تکامل را می‌پیمایند. ناگفته پیداست که همه حالت‌های جسمی و روانی والدین بر فرزندان اثر می‌گذارد. در حقیقت، خانواده و چگونگی ارتباط والدین با فرزندان، کانون احیای ویژگی‌های فردی آنان است. خانواده، تأثیرگذارترین محیطی است که می‌تواند قابلیت‌های درونی افراد را پروراند و شخصیت و استعداد آنها را از قوه به فعلیت درآورد. والدین می‌توانند فطرت پاک و الهی فرزندان را به سوی خوبی‌ها و

نیکی ها هدایت کنند و بذر هویت دینی و معنوی انسان را در کودکی بکارند. با گذشت زمان، این هویت به ثمر می نشیند و ریشه هایش استوارتر می شود.

پژوهشگر ارجمند، سرکار خانم شکیبا سادات جوهری کوشیده است از متون دینی، آموزه ها و دست مایه های گران سنگی برای برنامه سازان صداوسیما فراهم آورد تا با استعانت از این آموزه ها، در تنظیم رفتار والدین و فرزندان و هموارسازی تربیت دینی، گام های مؤثرتری بردارند. با سپاس از ایشان، امید داریم این مجموعه مورد استفاده بهینه قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۶

سپاس و ستایش مخصوص پروردگار یکتاست که جهان را آفرید و به ما آدمیان هستی بخشید و به وسیله پیامبران و سفیرانش، در مسیر درست، راهنمایی و هدایت‌مان کرد. به ما نعمت‌های بی‌شمار عطا فرمود تا شکرگزار الطاف بی‌کرانش باشیم. «فَاذْكُرُوا الْآيَةَ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید». (اعراف: ۶۹)

یکی از راه‌های رستگاری بندگان مؤمن، به جای آوردن شکر واقعی نعمت است. از جمله نعمت‌های خداوند مهربان به بندگان، فرزند صالح است. خداوند حکیم، قانون تولد و بقای نسل را بر موجودات زنده حاکم ساخت و تشکیل خانواده را بهترین کار برای هماهنگی ایشان با نظام آفرینش دانسته است. نظام آفرینش، زن و مرد را وسیله آرامش و سکون یکدیگر قرار داده و سلامت و نیک بختی فرزندان را در گرو آرامش جسمی و روحی آنها گذارده است.

هر اندازه تفاهم و صمیمیت آنان با یکدیگر ریشه دارتر باشد و به درک واقعی یکدیگر توفیق یابند، از عهده مسئولیتی که دارند، بهتر برمی‌آیند و در پرورش نسل صالح و تربیت مردان و زنانی که در جامعه فردا نقشی سودمند داشته باشند، موفق‌تر خواهند شد.

خانواده هایی که به سعادت فرزندان خود اهمیت می دهند و در برابر آینده آنها احساس مسئولیت می کنند، باید پیش از انعقاد نقطه، برای او برنامه ریزی کنند. این گونه خانواده ها نه تنها به فکر تهیه خوراک و پوشاک کودکان هستند، بلکه مسائل تربیتی کودک را به مراتب مهم تر از تغذیه او می دانند. کودک تا زمانی که نمی تواند روی پای خود بایستد، وابسته به مادر و پدر است و مادر وظیفه نگهداری و پرورش کامل نوزاد را به عهده دارد تا نوزاد به مرحله ای برسد که دیگر به مراقبت مادر نیازی نداشته باشد. حال باید بدانیم که فرزندان در زندگی ما چه جایگاهی دارند.

آیا تا به حال برای فرزندان خود کاری کرده ایم که در جهت ارتقای جسمی و روحی آنان باشد؟

چقدر برای تربیت صحیح آنها وقت گذاشته ایم؟

برای تربیت دینی و اخلاقی آنها چه گام هایی برداشته ایم؟

آیا با آسیب های تربیتی در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع آشنا هستیم؟

چگونه می توان در دنیای امروز، فرزندان تربیت کرد که معیارهای واقعی زندگی را درک کنند؟

محبت تا چه اندازه می تواند در تربیت نسل جدید مؤثر باشد؟

برای تربیت فرزند خود، چه اندازه از ایمان، به عنوان نیروی معنوی زوال ناپذیر بهره گرفته ایم؟

هدف نهایی از تربیت کودک چیست؟

بدین ترتیب، در تربیت فرزند، پرسش های بسیاری مطرح می شود که هر کدام در جایگاه خود قابل بحث و تأمل است. البته همه این پرسش ها مطابق

نظام آفرینش است و هدف داری و غایت‌مندی آن تثبیت شده است و جای چون و چرا ندارد.

نظام آفرینش، همچنان که جامدات را در خدمت نباتات، نباتات را در خدمت حیوانات و حیوانات را در خدمت انسان قرار داده است تا هر کدام بتوانند به کمال مطلوب خود برسند، پدران و مادران را نیز در خدمت کودکان قرار داده است تا بدین وسیله، آدمی به هدف غایی خود برسد.

گریز از نظام آفرینش، زن و مرد را به تباهی و انحراف می کشاند. آنهایی که از خانواده خود گریزان هستند، برای تربیت نسل خود، جدیت نشان نمی دهند و نمی خواهند زیر بار امانت مقدس پدری و مادری بروند. از این رو، خودشان نیز در زندگی موفق نیستند؛ زیرا انسان‌های وظیفه‌شناسی آنها را تربیت نکرده است. در مقابل، والدینی که در برابر نظام آفرینش تسلیم می شوند، در حقیقت، بزرگ‌ترین هنر را کسب کرده اند؛ زیرا هم سبب کام‌یابی خود می شوند و هم نسل پاکی را پرورش می دهند.

کودکی که زیر نظر پدر و مادری دانا و فهمیده تربیت می شود، خود نیز در آینده با درایت بیشتری به تربیت نسل پس از خود همت می گمارد. پدران و مادران باید توجه داشته باشند که برای پرورش کامل و متعادل شخصیت کودک، وی نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید در فضایی پر از محبت و امنیت کامل اخلاقی و مادی پرورش یابد. برای دست یافتن به این مهم، نباید کودک خردسال را به جز در موارد ضروری از مادرش جدا کرد. کودک، انسانی نورسته است و همچون شاخه‌ای که از کنار درختی جوانه زده، پیرو اصل و منشأ خویش است، مگر اینکه پس از رشد و بلوغ و کمال، شرایطی

به وجود آید که وی وضع دیگری را برای خود برگزیند. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است:

تَزَوَّجُوا فِئَاتِي مُكَاتِرٌ بِكُمْ أَلَمَّ غَدَاً فِي الْقِيَامَةِ حَتَّى أَنْ السَّقْمُ يَقِفُ مُحْبِنِطاً عَلَى الْجَنَّةِ فَيَقَالُ لَهُ أَدْخُلْ فَيَقُولُ: لَا حَتَّى يَدْخُلَ
أَبَوَايَ قَبْلِي. (۱)

ازدواج کنید که در روز قیامت، من به کثرت جمعیت شما بر امت های دیگر سرافرازی می کنم. حتی کودکی که سقط شده است، با ناراحتی بر در بهشت می ایستد و چون به او گفته می شود داخل شو، می گوید داخل نمی شوم تا پدر و مادرم پیش از من وارد شوند.

بر این اساس، از نظر دین مقدس اسلام، حتی یک جنین سقط شده نیز اهمیت دارد و در روز قیامت، چشم به راه والدین است و پیش از پدر و مادر خود وارد بهشت نشود، حال آنکه شاید پدران و مادران به اهمیت این موضوع توجه چندانی نداشته باشند.

امام صادق (ع) نیز می فرماید:

إِنَّ أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ مَوْسُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ شَافِعٌ وَ مَشْفَعٌ فَإِذَا بَلَغُوا إِثْنَيْ عَشَرَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْحَسَنَاتُ. (۲)

فرزندان مسلمانان در پیشگاه خدا به مسلمانی شناخته شده اند و شفاعت ایشان مورد قبول است و همین که به دوازده سالگی رسیدند، نیکی های ایشان ثبت خواهد شد.

چه خوب است که پدران و مادران گرامی، کودکان خود را به درستی تربیت کنند و با مطالعه و آگاهی، صاحب فرزند شوند و فرزندانی پرورش دهند که منبع خیر و سبب افتخار خود و کشور خویش شوند. باید توجه

ص: ۱۰

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۸.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۱۸.

داشت زمانی این مهم تحقق می یابد که کودکان، خاستگاه تربیتی پاکی داشته باشند و والدین به طور شایسته، برای سلامت جسم و روح آنان بکوشند و بدانند که فرزندان، همان امانت الهی و سرمایه های ارزشمند کشور هستند که باید به بهترین شکل، از این ودیعه الهی مراقبت کنند.

پدران و مادران باید بدانند که با تربیت صحیح فرزندان، می توانند بزرگ ترین دین ملی و انسانی و مهم ترین وظیفه اسلامی خویش را ادا کنند. در مکتب آسمانی اسلام، هیچ خدمتی از پدران و مادران، شریف تر و حساس تر از تربیت کودکان نیست. روایات نقل شده از ائمه معصوم (ع) در این باره، گویای این مدعاست. امیر مؤمنان، علی (ع) می فرماید: «ما نَحَلَّ وَالِئِدُ وَلَمَّا نُحَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛ هیچ پدری به فرزندش تفضل و بخشش نکرده است که عالی تر و شریف تر از تربیت خوب باشد».(۱)

امام سجاد (ع) نیز در انجام وظیفه سنگین تربیت فرزند، از خداوند بزرگ کمک می طلبد و در ضمن دعاهایش در پیشگاه الهی، از پروردگار خویش می خواهد: «وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ؛ بار خدایا! مرا در تربیت و ادب و نیکوکاری فرزندانم، یاری بفرما».(۲)

ص: ۱۱

۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲- صحیفه سجاده، ص ۱۰۰.

۱. تربیت خانوادگی کودکان

اشاره

۱. تربیت خانوادگی کودکان

زیر فصل ها

الف) مفهوم تربیت

ب) خانواده و تربیت

الف) مفهوم تربیت

الف) مفهوم تربیت

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای فزونی، رشد و برآمدن، گرفته شده است و در اصطلاح به معنای ایجاد زمینه ای مناسب برای پرورش استعدادهای جسمانی و روحانی و هدایت آنها در جهت مطلوب، ضمن جلوگیری از کج روی ها و ناهنجاری هاست.

امروزه تربیت فرزندان، از دشوارترین، حساس ترین و پرمهمترین وظایف بشری به ویژه والدین است که نتیجه نهایی آن، هم به خانواده و هم به جامعه بازمی گردد. پدر و مادر که پدیدآورندگان کودک هستند، باید در زمینه سازندگی ایشان، بهترین و سودمندترین سرمایه گذاری را انجام دهند تا با تربیت صحیح فرزندان خود و تحویل آنان به جامعه، نقش آفرینان مؤثری باشند. والدین باید جنبه معنوی و الهی را در تربیت کودک در نظر بگیرند و به پرورش استقلال فکری و ایجاد خودباوری در کودکان توجه کنند.

ب) خانواده و تربیت

اشاره

ب) خانواده و تربیت

خانواده نخستین محیط تربیتی است که طفل، در آن چشم می گشاید و رشد می کند. کودک از هنگام تولد تا سالیانی چند، فقط با خانواده در تماس است و این ارتباط نزدیک و پیوسته نقش بسیار مؤثری در سازندگی شخصیت و رفتار وی دارد. بدین جهت، دانشمندان مسلمان با توجه به ارزش کانون

خانواده، اهمیت نقشی را که این نهاد در سعادت کودک دارد، بیان کرده اند. غزالی، کودک را امانتی در دست پدر و مادر می داند که مانند موم از هر نقشی خالی است و آنها او را به بدبختی یا سعادت می رسانند و هر بذری را که بخواهند، در زمین پاک دل وی می رویانند.^(۱)

کودک آینه تمام نمای خانواده خویش است که خوبی، بدی و هر آنچه را از آنها می بیند و می شنود، در خود منعکس می سازد. از این رو، کوشش والدین در تربیت و پرورش فرزندان، از بزرگ ترین کارهاست.

بوعلی سینا با اشاره به ضرورت تأسیس خانواده می نویسد:

انسان به مکانی نیازمند است که آنچه را به دست آورده است، در آنجا جمع و ذخیره کند و برای هنگام حاجتش نگه دارد. بنابراین، انسان به این نیاز دارد که برای خود منزل و مسکنی تهیه کند. مردی که خانواده را تشکیل داده است، مدیر اعضای آن محسوب می شود و آنها نیز رعیت و پیرو اراده و اداره وی می شوند.^(۲)

غزالی افزون بر مواردی که بوعلی بیان کرده است، ثمره تشکیل خانواده را اقتدا به سنت پیامبر، تربیت فرزندان صالح، سازندگی اخلاقی و رشد معنوی می داند.^(۳)

یک - نقش پدر در خانواده و تربیت کودک

یک - نقش پدر در خانواده و تربیت کودک

هریک از اعضای خانواده، وظایفی بر عهده دارند که فقط در صورت عمل به آنها، خانواده به کمال مطلوب خواهد رسید. هرچند این روابط بین هر دو طرف جریان دارد و پدر و مادر هر دو در قبال فرزند خویش وظایفی دارند

ص: ۱۳

۱- ابوحامد محمد غزالی، کیمیای سعادت، به کوشش: حسین خدیو جم، ج ۲، ص ۲۷.

۲- تدبیر منزل، ترجمه و نگارش: محمد نجمی زنجانی، صص ۱۱ - ۱۳.

۳- نک: کیمیای سعادت، امام محمد غزالی، ج ۱، صص ۳۰۲ - ۳۰۶.

که باید از عهده آن برآیند، نقش اصلی در خانواده به عهده پدر است و وظیفه او نگهداری و تربیت اعضای خانواده است.

خواجه نصیر، تربیت کودک را از وظایف مهم پدر می داند و به تحلیل روانی این مسئله می پردازد. وی انگیزه پدر را در تربیت فرزند، امر طبیعی بر گرفته از محبت او می داند و می نویسد:

و به اعتباری دیگر، او را محبتی ذاتی بر فرزند که بدان مخصوص باشد و آن چنان بُود که او فرزند را به حقیقت، هم نقش خود داند، و چنان پندارد که وجود فرزند، نسخه ای است که طبیعت از او صورت بر گرفته است. از این جهت بود که پدر هر کمال که خود را خواهد، فرزند را خواهد و هر خیر و سعادت که از او فوت شده باشد، همت بر آن گمارد که فرزند را حاصل کند و بر او سخت نیاید که گویند: پسر از تو فاضل تر است و سخت آید که گویند: غیر از تو فاضل تر است. همچنان که بر شخصی که در حال ترقی بود، به کمال سخت نیاید که گویند: اکنون کامل تر از آنی که پیش تر از آن بودی، بلکه او را از این سخن خوش آید؛ پس همین جا بُود حال پدر با فرزند. (۱)

امام علی(ع) نیز در این باره خطاب به امام حسن مجتبی(ع) می فرماید:

من تو را بخشی از وجود خود، بلکه تمام وجود خویش یافتم، تا به آنجا که اگر برای تو پیشامدی می شد، گویی برای من پیشامد شده است و اگر مرگ به سراغ تو می آمد، گویی به سراغ من آمده است. از این رو، درباره کارهای همان گونه مراقبت داشتم که به کارهای خویش توجه می کردم. (۲)

امام سجاد(ع) نیز در کلامی خطاب به پدران، آنها را متوجه حالت روانی و طبیعی کودکان می کند و تربیت آنها را بر پدران واجب می داند و می فرماید:

ص: ۱۴

۱- خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح: مجتبی مینوی، صص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۲- نهج البلاغه، گردآوری: سید رضی، ترجمه و شرح: علی نقی فیض الاسلام، نامه ۳۱.

حق فرزند بر تو این است که بدانی او قسمتی از وجود توست و در خیر و شر دنیا به تو پیوند دارد. تو در تربیت، آداب آموزشی و خدانشناسی او مسئولیت داری. بایستی او را در محبت و اطاعت خدا کمک کنی و وسایل ایمان و پاکی او را فراهم سازی. عمل تو درباره او باید مانند کسی باشد که یقین دارد اگر در این راه کمترین زحمتی به خود دهد، پاداشی کافی دارد و اگر کمترین کوتاهی کند، مورد سرزنش و مجازات قرار خواهد گرفت. پس در انجام [دادن] آموزش همچون کسی باش که به کارهای نیکوی او دنیا آراسته می شود تا با عمل خوبت درباره او نزد پروردگارش ایمن باشی. (۱)

دو - نقش مادر در تربیت کودک

دو - نقش مادر در تربیت کودک

پس از تولد نوزاد، مادر نخستین فردی است که با او تماس مستقیم دارد. در واقع، زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادر آغاز می شود. این ارتباط نه تنها در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می گذارد.

مطالعات روان پزشکیان درباره ناراحتی ها و اختلالات عاطفی کودکان نشان می دهد که دلیل بیشتر این اختلالات، محرومیت از مادر است. گندی در سخن گفتن، پایین آمدن بهره هوشی، جنب و جوش کم، کمبود واکنش عاطفی، پرخاشگری، اختلال حواس، ضعف استعداد، تفکر انتزاعی و بسیاری از مسائل دیگر، از آثار ناگوار محرومیت از مادر است.

به نظر می رسد وجود حالات عاطفی لازم و مناسب، اساسی ترین عاملی است که می تواند نقش مادر را در رشد و تکامل نشان دهد. بر اساس روایت های نقل شده، مادر بیش از پدر به فرزند خود ابراز محبت می کند و

ص: ۱۵

نسبت به رشد و تکامل او، جدیت بیشتری از خود نشان می دهد(۱) که از اهمیت وجود مادر برای رشد کودک حکایت دارد.

امام سجاد(ع) ضمن بیان گوشه ای از تلاش طاقت فرسای مادر در مسیر رشد و تربیت فرزند، می فرماید:

هرگز کسی را به تنهایی یارای سپاس و تقدیر از مادر نیست، مگر از خداوند مدد جوید و از او توفیق ادای این وظیفه را بطلبید.(۲)

بر این اساس، نقش سرنوشت ساز مادر در تربیت کودک، از اهمیت والایی برخوردار است. معمولاً بیشترین مشکلات موجود در تربیت کودکان، از محیط خانه سرچشمه می گیرد و اگر کودک از همان ابتدا تحت تربیت مادری فهیم و با کمال قرار گیرد، در آینده به وظایف خود در برابر خانواده، دوستان و به طور کلی اجتماع بهتر عمل خواهد کرد و خود نیز برای تربیت نسل آینده، جدیت بیشتری به خرج خواهد داد.

مادر به عنوان الگویی برای فرزند خویش، می تواند با آموزش و تربیت صحیح، بسیاری از عیب های روحی و اخلاقی را از ضمیر کودک بزدايد و او را در مسیر کمال و آگاهی تربیت کند.

سه - توجه به تربیت کودک، پیش از انعقاد نطفه

سه - توجه به تربیت کودک، پیش از انعقاد نطفه

تربیت کودک کاری بزرگ است که برای بعضی افراد آسان به نظر می آید. درحالی که در مورد تربیت درست نونهالان، نکات زیادی وجود دارد که غفلت از هر کدام می تواند آثار زیان باری بر روح و جسم فرزند به جای بگذارد. مرحله آغازین تربیت کودک، همان زمان انعقاد نطفه است که از

ص: ۱۶

۱- نک: فیض کاشانی، محجه البیضا، ج ۳، ص ۴۳۵.

۲- نک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱۲.

حساس ترین مراحل تربیتی فرزند است و کوتاهی در آداب اسلامی آن می تواند برای همیشه روح و روان کودک را دچار اختلال کند.

وقتی نهال کوچکی را در زمین می کاریم، اگر شرایط درست آن را رعایت نکنیم، نهال پس از مدتی پژمرده خواهد شد، یا به دلیل رشد نامطلوب، میوه سالمی به بار نخواهد آورد. بی شک، ایجاد خمیرمایه یک انسان، به مراتب مهم تر و حساس تر از کاشت یک نهال است. اگر پدر و مادر در مرحله انعقاد نطفه، به وظایف خود آشنا نباشند و شرایط آغازین پیدایش یک انسان را به درستی فراهم نسازند، این سهل انگاری می تواند تأثیر بدی بر سرنوشت و زندگی آینده فرزند بر جای گذارد.

فرزندآوری در نظام الهی امری ارادی است و از زن و مرد خواسته شده است زمانی که تصمیم می گیرند بچه دار شوند، با کسب آمادگی های لازم و با روی آوردن به درگاه خالق انسان ها، در اندیشه تولد نورچشمی باشند که چراغ راه همه نسل ها باشد. بنابراین، در زمان تشکیل نطفه، زوجین باید به دور از نگرانی و اضطراب و فارغ از هرگونه فکر نادرست، با توکل و دعا به درگاه خداوند و آرامش خاطر، قابلیت های پدری و مادری خودشان را نشان دهند. (۱)

چهار - توجه به نیازهای همه جانبه فرزند

چهار - توجه به نیازهای همه جانبه فرزند

در وجود انسان، انگیزه ها و گرایش های ذاتی به امانت گذاشته شده است که هریک از آنها، او را به حرکت و تلاش در جهت خاصی وادار می سازد.

ص: ۱۷

برخی از این انگیزه ها از جنبه جسمانی و بعضی از روح ملکوتی او سرچشمه گرفته است.

به طور کلی نیازهای انسان را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

۱. نیازهای مادی مانند خوراک، پوشاک، مسکن و تمایلات جنسی؛

۲. دفاع از خود در برابر هر گونه خطر؛

۳. حقیقت خواهی؛

۴. زیبایی خواهی؛

۵. میل به یادگیری علوم و معارف؛

۶. عدالت جویی و خیرخواهی؛

۷. تمایل به کسب جایگاه اجتماعی؛

۸. کمال طلبی.

ص: ۱۸

۲. تربیت دینی کودکان

انسان ها با فطرت دینی و توحیدی متولد می شوند و شناخت خداوند در عمق وجود آنان نهاده می شود. (۱) و نقش تربیت در آنها، شکوفاسازی و پرورش استعداد های فطری و طبیعی است.

بر اساس آموزه های دینی، دوران کودکی بهترین زمان برای تربیت فرزندان است. در این دوران قلب کودکان همانند زمین حاصل خیز، آماده پذیرش است و چه بهتر که در این زمین، بذر دین، اخلاق و محبت به پیامبر و اهل بیت (ع) و قرآن پاشیده شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَ الْقُرْآنِ؛ فرزندان را با محبت من و خاندان من و قرآن تربیت کنید». (۲)

دوران کودکی، معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۲ - ۱۳ سالگی را شامل می شود. این دوران از نظر آموزشی بیشترین تأثیر را بر روحیه کودک می گذارد. بنابراین، باید تلاش زیادی در زمینه رشد دینی و مذهبی کودک انجام شود. (۳) آموزه های مذهبی فراوانی دربرگیرنده همه جنبه های زندگی

ص: ۱۹

۱- نک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲- قاضی سید نورالله حسینی مرعشی تستری، احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۸.

۳- نعمت الله یوسفیان، تربیت دینی فرزندان، ص ۳۹.

انسان است، ولی کودک از مذهب، چیزی را می پذیرد که متناسب با خواسته هایش و بر اساس شواهد، تجربه ها و یافته های شخصی اوست.

از حدود چهار سالگی، کنجکاوی سراسر وجود کودک را فرا می گیرد و سبب می شود با حقایقی درباره جهان آشنا شود. این شناخت، زمینه خدانشناسی را در او فراهم می آورد و این مرحله، سن طبیعی برای پذیرش خداوند است. کودک در این دوره سنی چنین احساس می کند که هیچ چیز بدون علت پدید نمی آید. این احساس می تواند اساس همه داوری های او باشد. کودک چهارساله گرایش زیادی به والدین خود دارد. پدرش را بزرگ و مهم می داند و برداشت او از خدا این است که او هم، چون پدرش، ولی بزرگ تر است. او حتی خداوند را فردی از اعضای خانواده خود به شمار می آورد و پرسش های او این نگرش را نشان می دهد.

مفهوم خدا و صفات او، تا حدود شش سالگی، در او ریشه دار نیست، ولی از حدود هفت سالگی، خدا را مقامی قدرتمند می شناسد که ارزشی بالاتر از پدر و مادرش دارد. کودک در این سن می خواهد با دستورهای خداوند آشنا شود. هرچند صفات خداوند تا اندازه ای برای او آشناست، درک مفاهیمی چون ازلی و ابدی بودن برایش دشوار است (۱) و باید دانست که او در این مرحله، هنوز با جنبه های غیرمحسوس، مجرد و ذهنی آشنایی ندارد.

الف) ضرورت تربیت دینی

الف) ضرورت تربیت دینی

مهم ترین وظیفه والدین در امر تربیت فرزند این است که او را در محیط خانواده، در سه بعد شناخت، ایمان و عمل به هنجارها پرورش دهند. شاید کمتر کسی درباره لزوم تربیت دینی شک کند؛ زیرا با اندکی تفکر، روشن می شود که سعادت انسان در گرو تربیت دینی است. این جنبه از تربیت

ص: ۲۰

می تواند ارتباط آفریده با آفریدگار را مستحکم تر کند و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت وادارد. در اهمیت تربیت دینی، همین بس که انگیزه بعثت انبیا نیز در اصل بر همین هدف استوار است. (۱)

قرآن کریم که کتاب هدایت و انسان سازی است، در پاره ای از آیات، درباره تربیت دینی فرزندان، با صراحت می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست، نگه دارید». (تحریم: ۶)

اولیای گرامی اسلام نیز بر تربیت، به ویژه تربیت دینی فرزندان تأکید کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «به کودکان خود در هفت سالگی امر کنید که نماز بگذارند». (۲)

تربیت دینی در جهت هدایت تعامل انسان با خدا، خویشتن، دیگران و طبیعت است. هدف از ارتباط انسان با خدا، همان معرفت به ذات الهی و ایمان به آموزه های دینی، تقوا، عبادت و شکرگزاری از نعمت های خداوند متعال است. والدین می توانند کودک خود را از همان دوران خردسالی با این آموزه ها آشنا کنند و به او در عمل بیاموزند که وظایفش چیست تا در سنین نوجوانی و جوانی به دلیل نهادینه شدن این آموزه ها در وجود وی، عامل راستین و مطمئنی بار آمده باشد.

هدف های تربیتی در ارتباط انسان با خود، همان پرورش قوه عقل و اندیشه، خودشناسی، پرورش روح حقیقت طلبی و فضیلت جویی و گرایش به

ص: ۲۱

۱- تربیت دینی فرزندان، صص ۱۴ و ۱۵.

۲- میزان الحکمه، ص ۳.

فضایل اخلاقی است. پدر و مادر می توانند در آموزش این امر و تقویت اراده و عمل فرزندان خود مؤثر باشند.

هدف های تربیتی انسان در رفتار با دیگران، عبارتند از: پیروی عملی از پیشوایان معصوم (ع)، احترام به والدین و هم نوعان، پرورش روح اجتماعی، برادری، همکاری، امانت داری، وفای به عهد، حس نوع دوستی، همدردی، گذشت و فداکاری. والدین با آموزش و تربیت درست فرزندان در این زمینه نیز می توانند، در ایجاد انگیزه در فرزندان تأثیرگذار باشند و با رعایت این فضایل اخلاقی، بستر ایجاد آن را در فرزندانشان فراهم آورند.

هدف تربیتی از ارتباط انسان با طبیعت نیز شناخت و بهره برداری صحیح از طبیعت است. پدر و مادر می توانند ضمن تربیت فرزند خویش، از همان آغاز کودکی، انس با طبیعت را در وجود او نهادینه کنند تا به آن آسیب نرساند.

(ب) ارتباط کودک با خدا

(ب) ارتباط کودک با خدا

از شگفتی های دنیای کودکان، دعاهایی است که در آن درخواست های تحقق ناپذیر به چشم می خورد. آنها بر اساس آموخته های خود، از خدا توقع دارند و اصرار می کنند که خواسته شان برآورده شود. بررسی ها نشان می دهد که کودکان از حدود سه سالگی، علاقه بسیاری به دعا و سرودهای مذهبی دارند و از تکرار آن، به ویژه اگر با آوازهای جمعی همراه باشد، بسیار لذت می برند. به تدریج از حدود شش سالگی ارتباط آنها با خدا، به شکل حرف زدن و درخواست کردن نمود می یابد. البته خواسته های کودکان در این دوران، به صورت مادی است، مثل درخواست خوردنی ها، اسباب بازی ها، لباس و مانند آن. مثلاً کودک آرزو دارد امروز باران بیاید، تا او به مدرسه

نرود یا دعا می کند که خدا کاری کند تا او بیچه خوبی باشد، یا از خدا می خواهد کاری نکند که پدرش او را کتک بزند. گاهی نیز کودک در این سنین آرزوهای محال دارد. برای مثال، یکی از آرزوهای او این است که خدا به او دو بال بدهد تا پرواز کند. (۱)

برخی اوقات، کودک به دلیل برآورده نشدن حاجاتش، از خداوند انتقاد می کند که مثلاً چرا پدرش تصادف کرده یا در امتحان نمره خوبی نگرفته است. باز هم در این مواقع، والدین با تحمل و تربیت صحیح باید نگرش کودک را در حد سن او اصلاح و او را از این امور آگاه سازند.

ج) آموزش دینی در دوران کودکی

ج) آموزش دینی در دوران کودکی

اگر آگاهی های دینی، درست و متناسب با نیازها و شرایط روحی کودک در اختیارش قرار بگیرد، نقش مهمی در سرنوشت او خواهد داشت؛ زیرا اساس زندگی آدمی را بینش و باورهای او تشکیل می دهد و اگر مبتنی بر آموزه های محکم دینی باشد، زندگی او رنگ و بوی الهی می گیرد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

محفوظات طفل نارس، همچون نقشی است که روی سنگ حک شده باشد، ولی محفوظات مرد بزرگ سال، مانند نوشتن بر روی آب است. (۲)

روزی پیامبر اسلام، با دیدن تعدادی از کودکان فرمود: وای بر فرزندان آخر الزمان، از روش ناپسند پدرانشان! گفتند: یا رسول الله، از پدران مشرکشان؟ فرمود:

ص: ۲۳

۱- پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، صص ۳۴ و ۳۵.

۲- نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ص ۲۹۱.

نه، از پدران مسلمانان که چیزی از احکام دین را به آنان نمی آموزند و اگر فرزندان بخواهند خود در پی آموزش مسائل دینی برآیند، آنان را از این کار بازمی دارند و تنها به این دل خوشند که فرزندان، بهره ناچیزی از دنیا به دست آورند. من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند. (۱)

(د) عوامل اثرگذار بر تربیت دینی کودکان

اشاره

(د) عوامل اثرگذار بر تربیت دینی کودکان

زیر فصل ها

یک - تربیت دینی کودک در قالب بازی

دو - روش تربیتی عادت

سه - تربیت دینی کودکان در قالب مراسم دینی

چهار - روش تجربه زندگی

پنج - روش تربیتی عفو

شش - کودک و دوستان

هفت - آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع)

یک - تربیت دینی کودک در قالب بازی

یک - تربیت دینی کودک در قالب بازی

پیامبر اسلام می فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ هر کس کودکی نزدش است، باید رفتارهای متناسب با او انجام دهد و خود را به صورت هم بازی کودک درآورد». (۲)

هر اندازه والدین بتوانند شیوه های تربیتی کودکان را با بازی و سرگرمی همراه کنند و جنبه تحکم را کاهش دهند، در تربیت فرزندان موفق تر خواهند بود.

در سیره رسول گرامی اسلام، بزرگداشت کودکان و اهمیت دادن به بازی آنان بسیار چشمگیر است، چنان که این بزرگ معلم عالم بشری، سجده خویش را در نماز، چندان طولانی کرد که نوه های عزیزش بازی اسب سواری خود را به پایان

پدر و مادر می توانند شیوه درست وضو گرفتن را به صورت نمایش و بازی، به کودکان آموزش دهند و از آنان بخواهند این کار را تکرار کنند. همچنین آنها می توانند با به راه انداختن بازی هایی که جنبه اتحاد، پیروزی، همکاری و فداکاری در آنها بیشتر است، با کودکان خویش هم بازی شوند.

ص: ۲۴

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۳- نک: صابر محمدی، «تربیت دینی کودک»، ماهنامه شمیم یاس، ش ۶۳، ص ۳.

عادت یکی از روش‌هایی است که از روزهای آغازین توجه به ضرورت‌های تربیت کودک، شناخته‌ترین و علمی‌ترین شیوه مورد استفاده همه قوم‌ها و ملت‌ها بوده است. برخی معتقد هستند عادت، شاکله اصلی رفتار انسان را تشکیل می‌دهد. هر عادت در انسان تحول روانی ایجاد می‌کند. هرگاه به کاری علاقه شدیدی پیدا کنیم، از انجام دادن آن لذت می‌بریم.

ویلیام جیمز، روان‌شناس معروف امریکایی بر این باور است که ۹۹ درصد کارهایمان را از روی عادت انجام می‌دهیم. (۱)

در اصل، تفکر و کیفیت عواطف ما، به شدت زیر نفوذ عادت‌های ما قرار دارد.

سه - تربیت دینی کودکان در قالب مراسم دینی

سه - تربیت دینی کودکان در قالب مراسم دینی

بخشی از عوامل نهادینگی و نفوذ نگرش دینی در کودک، مربوط به اموری است که به چشم و گوش خوشایند باشد. برای مثال، برنامه‌های مربوط به مراسم دینی، آوای قرآن و سروده‌های اسلامی در این زمینه بسیار مؤثر است. بر این اساس، والدین و مربیان باید به مراسم مذهبی ارزش بدهند و توجه داشته باشند که کارها را بر چه اساسی ارزش گذاری می‌کنند.

مراسم مذهبی باید جذاب باشد تا کودک تشویق شود در برنامه شرکت کند یا مدتی در آن محل بنشیند. برای مثال، محل برگزاری نماز را زیبا و معطر سازند؛ محل وضو، جا نماز، نمازخانه و اطراف آن را تمیز کنند؛ محیط

ص: ۲۵

۱- ویلیام جیمز دورانت، لذات فلسفه، ترجمه: عباس زریاب خویی، ص ۸۷.

برگزاری نماز را از نظر گرما و سرما در تابستان و زمستان متعادل کنند تا کودکان در آن محل اذیت نشوند یا در پی آن نباشند که زودتر، از مراسم بگریزند.

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه های اخلاقی و رشد و پویایی فرزندان، به ویژه در محیط مدرسه، برپایی نماز است. آمار و تحقیقات نشان می دهد، مدارس می دهد، مدارسی که در بالا بردن انگیزه دانش آموزان برای برگزاری نماز جماعت موفق بوده اند، زمینه های علاقه مندی و تحقق تربیت دینی را در دانش آموزان افزایش داده اند.

چهار- روش تجربه زندگی

چهار- روش تجربه زندگی

این شیوه بر پرورش روحیه مذهبی انجام تکالیف و وظایف مطلوب در زندگی تأکید فراوان دارد. تحقیقات نشان می دهد که نتایج این روش، در مقایسه با شیوه های دیگر، مطلوب تر و در بالا بردن انگیزه دین داری در کودکان و نوجوانان، نویدبخش تر است. هدف اصلی در این روش، کمک به کودکان در دست یابی به رشد اخلاقی و معنوی در همه روابط زندگی است که شامل رابطه ایشان با خدا، با جهان، با دیگر انسان ها و با خود است.

در این راهکار، والدین و مربیان کارآموده با برنامه های گوناگون، فعالیت هایی انجام می دهند که کودکان و نوجوانان با بهره گیری از آنها بتوانند عقاید خود را درباره دین پرورش دهند. در همه این فعالیت ها، کانون توجه و علاقه، تاریخچه زندگی و جهان و بحث درباره اصل و تکامل زندگی است.

این روش با تأکید بر رشد اخلاقی و معنوی در درک و یادگیری مفاهیم دینی از راه کسب تجربه های سودمند، با جدیدترین کشفیات درباره تکامل آرمان های کودکان، هماهنگی دارد. رویکرد آموزشی دینی با توجه به فعالیت ها و عملکردهای فرد، دارای این فایده است که گرایش دینی را در

کودکان برمی انگیزد. افزون بر آن، احتمال حفظ و تداوم این رغبت و عمل به دستورهای دینی را در طول فرآیند رشد به همراه دارد.

پنج - روش تربیتی عفو

پنج - روش تربیتی عفو

بر اساس طبیعت انسانی، هر شخصی ممکن است در یکی از مقاطع زندگی اش مرتکب کار خلافی شود. به محض اینکه نخستین خطا از کودک سر زد، والدین نباید بی درنگ در پی مجازات او برآیند، بلکه باید از اشتباه او بگذرند یا با گوشزد کردن آن، کودک خود را ببخشند. این بخشش سنجیده، ممکن است کودک را به سوی ارزش های اسلامی جذب کند. در قرآن کریم تأکید زیادی بر این شیوه تربیتی شده است. همچنین براساس روایات رسیده از امامان معصوم (ع)، عفو در هنگام قدرت، بهترین نوع عفو است.

شش - کودک و دوستان

شش - کودک و دوستان

انتخاب دوستان و نوع ارتباط با آنان، یکی از مسائل سرنوشت ساز تربیتی است. پدر و مادر وظیفه دارند در انتخاب دوست شایسته و درستکار، به فرزند خود کمک کنند. در این زمینه، فرزندان بدون راهنمایی والدین به سرعت به بیراهه می روند. (۱)

سعدی درباره تأثیر دوستان و هم نشینان بر فکر و شخصیت افراد می سراید:

تو اول بگو با کیان زیستی؟

پس آن گه بگویم که تو کیستی!

ص: ۲۷

۱- سید حسین اسحاقی، «توصیه های اخلاقی و تربیتی به والدین»، ماهنامه شمیم یاس، ش ۵۱، ص ۲۳.

شاید این شعر برگرفته از این سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ؛ انسان با دین و آیین دوست خود شناخته می شود. پس هریک از شما باید بنگرد با چه کسی دوست می شود» (۱).

هفت - آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع)

اشاره

هفت - آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع)

زیر فصل ها

اول - آشنایی کودکان با فضایل اهل بیت (ع)

دوم - آشناسازی کودکان با داستان های معصومان (ع)

سوم - آشناسازی کودکان با پند و اندرزهای معصومان (ع)

اول - آشنایی کودکان با فضایل اهل بیت (ع)

اول - آشنایی کودکان با فضایل اهل بیت (ع)

فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع) که خود، از موضوع های مهم تربیتی است، با روش بیان فضایل اجرا و تفهیم می شود. بیان فضایل، اخلاق و برجستگی های زندگی اهل بیت (ع) برای کودکان، به زبان ساده و قابل درک، تأثیر فزاینده ای در میزان علاقه مندی و دوستی آنها با اهل بیت (ع) دارد. چنان که سیره امامان معصوم (ع) به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی اهل بیت (ع)، بیشتر براساس بیان خصلت های پسندیده و فضیلت های آنها بود.

در فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع)، خوب است ویژگی های فردی، خانوادگی، محیطی و حتی شرح کوتاهی از زندگی ایشان به کودک گفته شود. برای مثال، به کودکان تفهیم شود که محل زندگی و وطن اصلی ائمه اطهار (ع)، شهر مدینه، جایگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و همه مسلمانان به آنجا علاقه مند هستند. انتقال این اطلاعات به کودکان، همراه با تأکید بر اینکه اهل بیت (ع) همگی فرزندان و از خانواده پیامبر اسلام هستند، موجب می شود آنها بهتر با ائمه معصوم (ع) آشنا شوند و این آشنایی در ذهنشان باقی بماند. (۲)

ص: ۲۸

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۹.

۲- محمد احسانی، «روش های گفتاری آشناسازی کودکان با اهل بیت (ع)»، نشریه شمیم یاس، ش ۴۲، ص ۳.

دوم - آشناسازی کودکان با داستان های معصومان(ع)

دوم - آشناسازی کودکان با داستان های معصومان(ع)

یکی از شیوه های مؤثر در تربیت کودک، استفاده از داستان است. کودکان به داستان علاقه فراوان نشان می دهند و قصه های جذاب و شگفت انگیز را دوست دارند. این رغبت کودکان، زمینه اثرپذیری آنها را فراهم می سازد. از این رو، در تربیت کودکان، به ویژه در آشناسازی آنان با اهل بیت(ع) از داستان گویی می توان بهره گرفت. انتخاب داستان های جالب و کوتاه از سیره اهل بیت(ع) و بیان آن با زبان ساده و در سطح فهم کودکان، در آشنایی آنان با اهل بیت(ع) تأثیر بسیار دارد. (۱)

خداوند در قرآن کریم به نقش مثبت و سازنده داستان اشاره می کند و می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ؛ در بیان آثار و داستان هایی از سرگذشت پیشینیان، عبرتی برای صاحبان خرد است». (یوسف: ۱۱۱)

در زندگی ائمه(ع) نیز داستان هایی بسیار زیبا، جالب و آموزنده وجود دارد که با معرفی آنها به کودکان، همراه با دریافت محتوای داستان، با اهل بیت(ع) نیز آشنا می شوند. اگر پدر و مادر در محیط خانه به جای انجام کارهای بی اهمیت یا تماشای فیلم های غیرضروری، فرزندان خود را با داستان های پیشوایان معصوم(ع) آشنا کنند، بی شک، نتایج ارزشمندی در آشناسازی کودکان با ایشان خواهد داشت.

سوم - آشناسازی کودکان با پند و اندرزهای معصومان(ع)

سوم - آشناسازی کودکان با پند و اندرزهای معصومان(ع)

پندهای آموزنده امامان معصوم(ع)، با گیرایی و محتوای زیبای خود، چنان بر روح و روان کودک تأثیر می گذارد که در سراسر زندگی، آنها را از یاد نمی برد و او را متحول می سازد و به خدا و اولیای او علاقه مند می کند. در زمان معصومان(ع)،

ص: ۲۹

۱- محمد احسانی، «روش های گفتاری آشناسازی کودکان با اهل بیت(ع)»، نشریه شمیم یاس، ش ۴۲، ص ۵.

شمار افرادی که به گناه آلوده بودند و با دریافت سیره ای از معصوم(ع) یک باره به خود آمده و به خدا و قرآن رو می آوردند، بسیار زیاد است.

کودکان نیز به دلیل استعداد خاص و آمادگی مطلوبی که برای پذیرش سخنان بزرگان و مطالب درسی دارند، بهتر می توانند پند و اندرزهای معصومان(ع) را فراگیرند و از این راه با آنها آشنا شوند.

مناسب است والدین مطالب حکیمانه و پندآمیز معصومان(ع)، از جمله کلمات قصار امام علی(ع) را در زمینه های مختلف تربیتی و اخلاقی، انتخاب و برای کودکان خود با بهترین و زیباترین شیوه بیان کنند تا فضای مناسب تربیتی و آموزشی برای کودکان فراهم شود. به این ترتیب، کودکان به شیوه مناسب، با اهل بیت(ع) آشنا می شوند و یاد آنها در قلبشان نفوذ می کند و سال ها باقی می ماند. (۱)

ص: ۳۰

۱- محمد احسانی، «روش های گفتاری آشناسازی کودکان با اهل بیت(ع)»، نشریه شمیم یاس، ش ۴۲، ص ۵.

۳. تربیت اخلاقی و عاطفی کودکان

اشاره

۳. تربیت اخلاقی و عاطفی کودکان

زیر فصل ها

الف) تربیت اخلاقی

ب) تربیت عاطفی کودکان

الف) تربیت اخلاقی

اشاره

الف) تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی و عاطفی، یکی از جنبه های پرورش فرزندان است. اگرچه والدین هر دو در این زمینه نقشی مشترک دارند، نقش مادر و تأثیر آن در تربیت اخلاقی و عاطفی فرزندان، کارآمدتر است. تربیت اخلاقی از همان آغاز کودکی شروع می شود. انسان در پرتو آن از پستی ها و صفات نکوهیده می رهد و با آراستگی به خصلت های پسندیده، به خیر و سعادت می رسد تا آنجا که هم نشین پاکان و فرشتگان و پذیرای فیض الهی می شود.

تربیت اخلاقی جنبه های گوناگونی دارد که یکی از آنها ایجاد باورها در فرد است. باورهایی ناظر به اینکه «بد چیست؟» و «خوب چیست؟» این باورها، جنبه عقلانی تربیت اخلاقی را سامان می دهند. در این زمینه، کودک اصول نهایی اخلاق را درمی یابد و می تواند خوب و بد کارها را تشخیص دهد. جنبه دیگر تربیت اخلاقی آن است که فرد بتواند این اصول را در رفتار خود به کار بندد.

جنبه سوم تربیت اخلاقی که گامی فراتر از جنبه اخلاقی قبلی است، مراقبت حالات درونی و رفتارهای بیرونی را دربرمی گیرد. در این جنبه،

ص: ۳۱

متربی پیش از آنکه بیاموزد، این آموزه ها را به کار می بندد؛ می آموزد که آموخته ها را ملکه خویش سازد. بنابراین، اگر مجموعه این جنبه در فردی مشاهده شود، می گویند او به تربیت اخلاقی آراسته شده است. (۱)

یک - آموزش عملی

یک - آموزش عملی

بهترین شیوه در تربیت اخلاقی، روش الگویی و آموزش عملی است؛ یعنی پدر و مادر باید با رفتار خود، فرزندان خویش را با اخلاق پسندیده آشنا سازند و بذر ارزش های اخلاقی را در وجود آنها پرورش دهند. مجموعه رفتار والدین و روابط آنها با هم، فضای روحی و اخلاقی ویژه ای را در خانه می آفریند. فرزندان در این فضا زندگی می کنند و نفس می کشند و از آن تأثیر می گیرند. اگر فضای حاکم بر خانه، معنوی و اخلاقی باشد، زمینه های اخلاقی را در وجود کودک پرورش می دهد و او را فردی با اخلاق بار می آورد.

باید توجه داشت که ارزش های اخلاقی در نهاد کودک، زمینه ای فطری دارند و او با الهام درونی با خوبی ها و بدی ها آشناست، ولی این زمینه به پرورش نیاز دارد. بنابراین، در صورتی که محیط کودک برای شکوفایی استعداد های فطری آماده باشد، ارزش های اخلاقی به سرعت در وجود او رشد می کند.

اگر محیط خانواده سرشار از صمیمیت، تفاهم و رفتار های پسندیده باشد و با مسائل و دشواری های موجود بزرگوارانه و با نرمی و مدارا برخورد شود، کودکان همین روش را به طور طبیعی از خانواده می آموزند و در زندگی عملی خود به کار می گیرند. مثلاً اگر در محیط خانواده بدگویی از دیگران

ص: ۳۲

رواج داشته باشد، چگونه می توان انتظار داشت که این صفت زشت در کودکان به وجود نیاید؟ کودکان پیش از آنکه به گفتار والدین بنگرند، از کردار آنها الگو می گیرند و رفتار پدر و مادر بیش از گفتارشان بر شخصیت فرزندان تأثیر خواهد گذاشت. اگر کودک از همان آغاز که در خانواده رشد می کند، درباره همسایگان، بستگان و دوستان، جز خوبی نشنود و از بدگویی آنها پرهیز شود، زمینه برای صفاتی چون غیبت، بدگویی و مانند آن تا حد چشمگیری از بین می رود. از همین گونه است صفاتی چون دروغ، حسد، چشم و هم چشمی، داد و فریاد و شدت عمل، خشونت و بدخویی. (۱)

اگر در امر تربیت کودکان، به ویژه در تربیت اخلاقی آنها جدی هستیم، باید تربیت خود را جدی بگیریم و همواره به خاطر داشته باشیم که کار تربیت، از خود مربی (والدین) آغاز می شود. (۲)

بی تردید، فرزندان در کودکی بیشتر از مادر الگو می گیرند و تأثیر می پذیرند و به تعبیر امام خمینی رحمه الله «آن قدر که اخلاق مادر، در بچه نارس تأثیر دارد و به او منتقل می شود، از دیگران عملی نیست». (۳) «بچه وقتی در دامن مادرش هست، می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق ها مؤثرتر است، تربیت می شود». (۴)

ص: ۳۳

۱- تربیت دینی فرزندان، ص ۷۵.

۲- نک: محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، صص ۱۱۸ - ۱۲۱.

۳- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

۴- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۷.

بنابراین، در تربیت اخلاقی به روش عملی، کودک بیش از آنکه بشنود، می بیند؛ زیرا او به ویژه در مسائل اخلاقی بیشتر از گوش، از چشم خود استفاده می کند.

دو- وقت گذاشتن برای کودکان

دو- وقت گذاشتن برای کودکان

برخی پدران و مادران فقط به مسائل تحصیلی فرزندان خود توجه می کنند و تربیت اخلاقی و معنوی آنها را چندان جدی نمی گیرند؛ حال آنکه، هدف از تربیت فرزند، تنها این نیست که او را فردی متخصص در یکی از رشته های علمی یا فنی تربیت کنیم. چنین فردی ممکن است یک متخصص ماهر شود، ولی معلوم نیست که آیا او انسانی واقعی نیز خواهد بود یا نه؟

خانواده هایی که برای پرورش اخلاقی و معنوی فرزندان خود ارزش چندان قائل نیستند، از اساسی ترین وظیفه خود در برابر فرزندان شان غفلت می کنند. (۱) بسیاری از مشکلات تربیتی در بزرگ سالی به این دلیل به وجود می آید که پدر و مادر در خردسالی برای تربیت فرزندان خود وقت نمی گذارند. آنان برای تربیت درست فرزندان، صبر و حوصله نمی کنند و ناملازمات رفتاری آنان را با تدبیر و مدارا بر خود هموار نمی سازند. در نتیجه، با بزرگ شدن فرزندان و درونی شدن عادت های ناپسند و تربیت های نادرست در آنها، دچار مشکل اخلاقی می شوند. این درخت کژ تنومند امروز، نهالی بیش نبود و کژی اش به آسانی درمان می شد، ولی امروز بسیار سخت، به سلامت و راستی باز می آید. (۲) بدین ترتیب، والدین باید بکوشند افزون بر

ص: ۳۴

۱- راهنمای پدران و مادران، ج ۲، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲- تربیت اخلاقی و عاطفی فرزندان، ص ۷۶.

آموزش علوم و فنون به فرزندان خود، در زمینه رشد فضایل اخلاقی نیز آنها را تربیت کنند تا در نوجوانی و جوانی، به اخلاق ناپسند آلوده نشوند.

سه - ایجاد عادت های پسندیده

سه - ایجاد عادت های پسندیده

از وظایف والدین به ویژه مادران، آشناسازی فرزندان با عادت های پسندیده است. تربیت اخلاقی در دوره پیش از دبستان، بیشتر از راه ایجاد عادت هاست؛ زیرا کودک هنوز از چنان رشد فکری و روانی بهره مند نیست که ممکن باشد از راه آموزش دستورهای اخلاقی، او را تربیت کرد. در دوره دبستان نیز می توان با آموزش مستقیم مقررات و اصول اخلاقی، کودک را به مراعات آنها واداشت.

بنابراین، پا به پای رشد کودک، باید زمینه هایی فراهم آورد که برخی از امور پسندیده را در عمل تجربه کند و با تکرار و تمرین، عادت های نیکو در وجود او شکل گیرد. پدر و مادر باید از همان سال های نخستین، کودک را وادار کنند گاهی مقداری از خوراکی های خود را به اطرافیان ببخشند. این کار، سخاوت را در وجود او پرورش می دهد. (۱) از دیگر صفت های پسندیده که باید کودکان را از آغاز با آن آشنا ساخت، دستگیری از نیازمندان است. برای این منظور باید کودک از نزدیک با این دسته از افراد و خانواده ها آشنا شود و شاهد دستگیری و دلجویی والدین خود از این گونه افراد باشد و خود نیز به تدریج، سهمی - اگر چه اندک - در این امر بر عهده گیرد.

باید کودکان را درباره مراعات حقوق دیگران، آموزش عملی مستقیم و غیرمستقیم داد. عبور از خط کشی در خیابان، رعایت نوبت در صف اتوبوس،

ص: ۳۵

سر و صدا نکردن در آپارتمان و مانند آنها نمونه هایی هستند که در تربیت اخلاقی و اجتماعی کودکان بسیار اثر گذارند. (۱)

چهار - جلوگیری از شکل گیری خصلت های ناپسند

چهار - جلوگیری از شکل گیری خصلت های ناپسند

والدین وظیفه دارند زمینه پیدایش صفات ناپسند و عادت های زشت را در فرزندان خود از بین ببرند. خودخواهی، بداخلاقی، حسادت و مانند آنها خصلت هایی هستند که از آغاز کودکی باید با آنها مبارزه کرد.

گاه پیش می آید که مادر برای آرام کردن فرزند خود دروغ می گوید یا وعده ای می دهد که به آن عمل نمی کند. او را از موجودات خیالی و غیرواقعی می ترساند یا در برابر اشتباه وی، چنان واکنش شدیدی از خود نشان می دهد که کودک از شدت ترس، ناگزیر می شود دروغ بگوید. تمام این امور، به ویژه اگر تکرار شوند، کودک را به دروغ گویی عادت می دهند و بذر ترس را در درون طفل می پاشند و او را فردی ترسو بار می آورند. بنابراین، والدین باید در تربیت فرزندان خود، با صداقت رفتار کنند و زمینه دروغ را به ویژه در دوران کودکی به وجود نیاورند تا فرزندان نیز با صداقت با والدین خود رفتار کنند.

از دیگر ویژگی های ناپسندی که در کودکان شکل می گیرد، حسادت است. در بسیاری از موارد، خانواده زمینه را برای پیدایش این صفت شدت می بخشد. مثلاً اگر در خانواده ای بین کودکان فرق بگذارند و آنها از توجه و محبت یکسان والدین یا یکی از آنها برخوردار نشوند یا موفقیت و امتیاز یکی را به رخ دیگری بکشند و او را تحقیر و سرزنش کنند، زمینه برای ایجاد حسادت زیاد می شود.

ص: ۳۶

بنابراین، شایسته است والدین از تشویق یکی از فرزندان و بی توجهی به دیگر فرزندانشان بپرهیزند و حس دوستی و رفاقت را جای گزین حس حسادت کنند تا زمینه رشد اخلاقی و شکوفایی فضایل انسانی در فرزندان بیشتر شود. اگر پدر و مادر به هر علت یکی از فرزندان خود را بیشتر دوست دارند، باید این محبت را در دل پنهان نگاه دارند و آن را آشکار نسازند. حتی اگر بخواهند یکی از فرزندان را از لطف و محبت بیشتر برخوردار کنند، این کار را نباید در حضور دیگر فرزندان انجام دهند. (۱)

(ب) تربیت عاطفی کودکان

(ب) تربیت عاطفی کودکان

از هدف های اساسی در تربیت کودکان، پرورش عاطفی آنهاست. منظور از عاطفه در این بحث، استعداد و گرایش درونی و پشتوانه نوع دوستی در انسان است. بر پایه این استعداد فطری، انسان با مهر و محبت به هم نوع خود، با او انس و الفت قلبی می یابد.

استعداد عاطفی در انسان سبب رشد بسیاری از کمالات می شود. این کمالات شامل امتیازهایی است که بر اساس «دیگرخواهی» در انسان پدید می آید، از قبیل محبت و از خود گذشتگی، گذشت، بخشش، همکاری، دل سوزی، غم گساری و به طور کلی، مقدم داشتن دیگران بر خود. بی وفایی، فراموش کاری، قدرشناسی، خشونت، بی رحمی، خودخواهی و بی خبری از دیگران و مانند آنها، از کاستی های روحی و اخلاقی هستند که ریشه در فقر عاطفی دارند. (۲)

خانواده نخستین کانونی است که باید در آنجا عاطفه انسانی را در کودکان پرورش داد. مهر و عطوفتی که کودک از مادر و دیگر بستگان نزدیک،

ص: ۳۷

۱- تربیت دینی فرزندان، ص ۷۸.

۲- تربیت دینی فرزندان، ص ۷۹.

همچون پدر، خواهر و برادر دریافت می کند، در هیچ کس دیگر نمی بیند و هیچ دایه و پرستاری نمی تواند نقش طبیعی مادر را در زندگی طفل بازی کند و جای خالی او را پر سازد.

زمانی که مادر با هیجان عاطفی خاصی طفل را در آغوش خود می فشارد و به او شیر می دهد یا وقتی به زبان کودکانه و با تمام وجود با فرزند خود سخن می گوید و برق عشق و محبت از چشمان او می جهد و تا اعماق وجود طفل نفوذ می کند، هنگامی که مادر فرزند خود را شب در کنار خود پناه می دهد و او را نوازش می کند، شیرینی محبت را به طفل خردسال خود می چشاند و گرمای عشق و عاطفه را به ذره ذره وجود او می رساند. همین گرمای مطبوع محبت است که بذره‌های عاطفه را در وجود کودک می پروراند و او را با کیمیای محبت آشنا می سازد.

کودکانی که این نیروی معنوی را از خانواده نمی گیرند، از پرورش عاطفی محروم می مانند. بررسی های انجام شده درباره کودکانی که در پرورشگاه ها بزرگ می شوند یا به علت جنگ، متلاشی شدن خانواده یا به هر علت دیگر، دور از خانواده رشد می کنند، نشان می دهد این گونه کودکان با وجود مراقبت های بسیار، از خلأ عاطفی شدیدی رنج می برند. بدون تردید، بسیاری از ناآرامی های روحی و روانی، بزهکاری ها و کج روی های اخلاقی و اجتماعی، بیماری های روانی، افسردگی ها و مانند آن در کمبود عاطفی ریشه دارند.

نگهداری حیواناتی مانند سگ و گربه در خانه ها و پناه بردن به این حیوانات زبان بسته در کشورهای غربی و صرف هزینه های سرسام آور برای

این منظور، در واقع، کارهایی برای پر کردن خلأ عاطفی است. (۱) بدین ترتیب، والدین باید، با توجه به روحیات فرزندان خود و ابراز علاقه به آنها، فضای زندگی کودک خود را سرشار از مهر و محبت کنند تا فرزندان سیراب از عاطفه تحویل جامعه دهند، نه اینکه به علت کمبود محبت، در نوجوانی و جوانی دچار عقده های روانی شوند.

ص: ۳۹

۱- نک: راهنمای پدران و مادران، صص ۱۸۵ - ۱۹۰.

۴. آسیب شناسی تربیت دینی کودکان

آسیب شناسی تربیت دینی، به معنای بررسی واقع بینانه موانع و آسیب ها در تربیت دینی و رشد تربیت کنندگان، انکارناپذیر است. منظور از موانع و آسیب ها آن دسته از عوامل مهم و مؤثری هستند که با ایجاد اختلال در روند تربیت دینی، آن را دشوار یا ناممکن می سازند. برخی از مهم ترین موانع و آسیب ها عبارت هستند از:

الف) آسیب های وراثتی

الف) آسیب های وراثتی

برخی از آسیب های تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در وراثت ریشه دارند. به این معنا که عامل وراثتی منفی و نتیجه ازدواج های نامناسب و ناموفق، زمینه نامساعدی را برای تربیت دینی و اخلاقی فرزندان فراهم می سازد.

اسلام پدیده وراثت را به طور جدی مطرح می کند و از نقش آن در انتقال ویژگی های ظاهری و باطنی بحث کرده و یادآور شده است که وراثت از همان آغاز تکوین جنین در رحم مادر، بر او اثر می گذارد و زمینه خوشبختی یا بدبختی اش را فراهم می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ (۱).

ص: ۴۰

سعادت‌مند کسی است که در شکم مادر خوشبخت است و بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت است.

اسلام برای پیش‌گیری از این مسئله، رهنمودهای لازم را به پیروان خود داده است و بدین وسیله از وراثت‌های نامطلوب و به دنیا آمدن فرزندان منحرف و معیوب جلوگیری کرده است. اسلام در زمینه ازدواج توصیه‌های فراوانی برای مسلمانان دارد و برخی از ازدواج‌ها را تحریم کرده، بعضی را نامناسب و بخشی را مناسب دانسته است. (۱)

(ب) آسیب‌های محیطی

(ب) آسیب‌های محیطی

پاره‌ای از آسیب‌های تربیت دینی و اخلاقی، تحت تأثیر عوامل محیطی رخ می‌دهند. عوامل محیطی عبارتند از: خانواده، نهاد آموزشی، رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی شامل رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات، اینترنت، دوستان و نهاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه.

این عوامل همان‌گونه که می‌توانند زمینه‌ساز تربیت دینی و اخلاقی باشند و بستر مساعدی برای تربیت درست و اسلامی فراهم سازند، ممکن است جزو موانع و آسیب‌های تربیتی نیز باشند. برای مثال، آسیب‌های تربیتی پدید آمده از درون خانواده، ممکن است معلول عواملی همچون مذهبی نبودن فضای حاکم بر خانواده، اختلافات خانوادگی و جروبحث‌های والدین در حضور فرزندان، طلاق و جدایی، امن نبودن خانواده برای تربیت فرزندان، فقر و بی‌توجهی به فرزندان باشد.

(ج) آسیب‌های تغذیه‌ای

(ج) آسیب‌های تغذیه‌ای

ص: ۴۱

تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی آدمی، به ویژه در آغاز تولد، انکارناپذیر است. از این رو، اسلام برای جلوگیری از پی آمدهای ناگوار آن، درباره تغذیه مادران و فرزندان، آموزه ها و دستورهایی فراوانی دارد که اجرای درست آنها، زمینه ای مساعد برای تربیت دینی و اخلاقی و اجتماعی فرزندان فراهم می آورد. از دیدگاه اسلام، غذایی که می خوریم، افزون بر اثر مادی که بر جسم ما دارد، بر حسب اینکه از راه حلال یا حرام به دست آمده است، آثار بسیاری در روح و شخصیت ما به جای می گذارد. این نوع آثار را از راه تجربه علمی نمی توان دریافت. به همین علت انسان از آن غفلت می کند، ولی از نظر مکتب اسلام، امری تردیدناپذیر است.

برخی روایات، از آثار زیان بار «لقمه حرام» سخن می گویند که گویای همین حقیقت هستند. امروزه بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، بر اثر غذاهایی است که از راه حرام به دست آمده اند و در خانواده ها به مصرف می رسند. کودکانی که با این غذاها تغذیه می شوند و دوران حساس کودکی را به سرعت سپری می کنند، فطرت دینی خود را از دست می دهند و به آسانی، دست به هر گناهی می زنند. امام صادق(ع) درباره تأثیر درآمدهای حرام می فرماید: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذُّرِّيَّةِ؛ درآمد حرام در نسل و فرزندان آدمی ظاهر می شود».(۱)

والدین به ویژه پدر باید بکوشد روزی پاک و حلال برای خانواده خود فراهم کند و بداند که نوع درآمد (مشروع و نامشروع)، در روحیه و سرنوشت خود و خانواده اش بسیار مؤثر است. روزی حلال در جان و روح فرزندان نفوذ می کند و در تمام دوران زندگی شخص تأثیرگذار است. امروزه

ص: ۴۲

گسترش روحیه مادی گرایی در سایه نفوذ فرهنگ غرب، توجه به ارزش های معنوی و اخلاقی را در برخی افراد چنان ضعیف کرده است که جز مادیات به چیزی نمی اندیشند. مسئله مهم برای آنها درآمد بیشتر است، هرچند آن درآمد از راه نامشروع باشد.

(د) آسیب های ناشی از مریان

اشاره

(د) آسیب های ناشی از مریان

بسیاری از آسیب ها را والدین و دیگر مریان، بر شالوده تربیت دینی و اخلاقی فرزندان وارد می کنند. برخی از آسیب های ناشی از مریان عبارتند از:

یک - سهل انگاری خانواده ها

یک - سهل انگاری خانواده ها

آدمی از ابتدای زندگی تا هنگام ازدواج و تشکیل خانواده، بخش مهمی از عمر خود را در کانون خانواده و کنار والدین می گذراند. از این رو، والدین جزو نخستین و مهم ترین عوامل تربیت فرزندان هستند.

جسم و روح، دو ساحت مهم وجود انسان هستند که هر یک به آفت ها و بیماری هایی گرفتار می شوند. طبیعی و خردمندانه است که پدر و مادر، همان گونه که در برابر بیماری های جسمی فرزندان خود حساسیت دارند و برای تأمین سلامت جسمانی آنان می کوشند، نسبت به بیماری های روحی و روانی آنان هم حساس باشند و در راه سلامت روحی و روانی شان نیز بکوشند.

سلامت روانی فرزندان میسر نمی شود، مگر در سایه سلامت خانواده به ویژه والدین که کودک از آنان الگو می پذیرد و در کنار آنان رشد می کند. اگر والدین زمینه مناسبی برای پرورش روح و اندیشه فرزندان فراهم آورند، آنان با آرامش خاطر برای تحصیل علم و رشد استعداد و جهت دار ساختن زندگی خویش تلاش خواهند کرد.

واقعیت تلخ این است که بخش مهمی از آسیب های دین داری نوجوانان و جوانان در عصر حاضر، معلول سهل انگاری والدین و در پیش گرفتن روش حل و فصل غیرمنطقی است. متأسفانه، امروزه والدین برای تربیت فرزندان خویش چندان احساس مسئولیت نمی کنند و در رفتارهای آنان دوگانگی مشاهده می شود. از این رو، فرزندان نیز گفتار والدین را جدی نمی گیرند؛ چرا که متوجه می شوند آنها به گفته خویش عمل نمی کنند. به فرموده امام صادق(ع)، عالمی که به دانسته هایش عمل نکند، اندرزش از دل ها می لغزد، چنان که باران از روی سنگ می لغزد.^(۱)

برخی از خانواده ها، برای آموزش زبان انگلیسی، رایانه و امور هنری به کودکانشان، هزینه های فراوان صرف می کنند، ولی حاضر نیستند با فرستادن فرزندان خود به کلاس قرآن، خرید کتاب، مجله ها و نرم افزارهای دینی و مذهبی، سطح بینش و معرفت دینی آنها را افزایش دهند و مانع آسیب پذیری آنان در بزرگ سالی شوند. روشن است که چنین سیاستی، فقر فرهنگی و معرفتی آنان را در حوزه معارف دینی در آینده به همراه دارد و زمینه آسیب پذیری شان را فراهم می آورد.

دو- شخصیت والدین

دو- شخصیت والدین

از عواملی که در تربیت فرزندان اهمیت بسیاری دارد، شخصیت والدین است. ویژگی هایی همچون وقار، ادب، بزرگواری، قاطعیت، جدیت، اعتماد به نفس، پرهیز از کارهای سبک و میانه روی در شوخی. عواملی هستند که سبب ایجاد حس احترام به دیگران، از جمله فرزندان به والدین می شوند. در برخی خانواده ها، گاه فرزندان هیچ حرمتی برای والدین قائل نیستند و چه بسا با بی احترامی و پرخاش، با پدر و مادر خود رفتار می کنند. این برخورد نشان

ص: ۴۴

۱- محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاء، ج ۲، صص ۲۳۱ و ۲۳۲.

می دهد که در نظر فرزندان، شخصیت پدر و مادر، از میان رفته است. در نتیجه، آنها هیچ گونه حرف شنوی از والدین خود ندارند. در چنین خانواده هایی، شیرازه محبت از هم پاشیده است و پدر و مادر نقش ارشادی و تربیتی خود را از دست داده اند. با این وصف، آنان در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان توفیقی نخواهند یافت. (۱)

از دیگر عوامل مهم در تربیت فرزندان، چگونگی رفتار پدر و مادر با یکدیگر است. برخوردهای صمیمانه، ولی محترمانه پدر و مادر و مراعات حریم همدیگر، در شکل گیری روحیه احترام گذاری فرزند به آنها بسیار مؤثر است. از این رو، اگر مشکلات و مسائلی میان پدر و مادر وجود دارد، نباید آنها را نزد فرزندان آشکار کنند یا در غیاب دیگری به انتقاد و بدگویی از او پردازند. این گونه رفتارها، احترام و اعتماد فرزندان به والدین را از میان می برد. پدر و مادر باید حافظ حرمت و شخصیت همدیگر باشند. اگر پدر نزد فرزندان به مادر اهانت کند یا مادر حرمت و شخصیت پدر را نادیده بگیرد، چگونه می توان از فرزندان انتظار احترام داشت؟ (۲)

از بدترین و رایج ترین آفت های تربیتی، اختلاف و درگیری والدین نزد کودکان و نوجوانان است. کانون خانواده، پناهگاه امن کودک است. کودک خود را به آن وابسته می داند و به آن دلگرم است. اگر پدر و مادر همواره با هم رفیق و صمیمی باشند، فرزند نیز آشیانه اش را استوار و باصفا می یابد و به احساس آرامش و امنیت می رسد. او در چنین محیطی بهتر رشد می کند و نیروها و استعدادهای درونی خویش را به ثمر می رساند.

ص: ۴۵

۱- رفتار والدین با فرزندان، ص ۴۸.

۲- رفتار والدین با فرزندان، ص ۴۹.

کشمکش پدر و مادر، امنیت و آسایش را از کودکان می‌گیرد و آنان را نگران و پریشان می‌سازد. هنگامی که پدر و مادر عصبانی هستند و دعوا می‌کنند، نمی‌دانند کودکان در چه حالی به سر می‌برند. هر کدام از آنها با ترس و دلهره در گوشه‌ای می‌خزند یا از خانه فرار می‌کنند و به کوچه و خیابان پناه می‌برند. بیشتر کودکانی که در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کنند، عقده‌ای، پریشان، بدبین و مبتلا به ضعف اعصاب خواهند بود. بررسی‌های اجتماعی و خانوادگی نشان می‌دهد که بسیاری از کودکان بزهکار، ولگرد و معتاد، بر اثر اختلاف‌ها و درگیری‌های همیشگی پدر و مادر به این دام گرفتار شده‌اند.

برای فرزندان، چیزی بدتر از این نیست که پدر و مادر با قهر از خانه بروند و فرزندان بی‌گناهمشان را تنها رها کنند. اگر پدر و مادر به درستی بدانند که در این مدت - گرچه کوتاه - فرزندان‌شان از نظر روحی در چه وضعی به سر می‌برند، دست از لجاجت بازی برمی‌دارند.

البته شاید کمتر خانواده‌ای پیدا شود که هیچ‌گونه اختلاف سلیقه‌ای نداشته باشد، باین حال، زندگی زناشویی احتیاج به گذشت دارد. پدران و مادران مسئول و آگاه، اختلاف‌شان را با تفاهم و منطق و استدلال برطرف می‌سازند. اگر هم گاهی به ناچار، مسئله‌ای، آنها را به بحث لفظی بکشاند، می‌کوشند زمانی این گفت‌وگو را انجام دهند که فرزندان‌شان حضور نداشته باشند. اگر هم ناخواسته در حضور فرزندان درگیری زبانی روی داد و کودکان متوجه این وضعیت شدند، می‌توان به آنها یادآور شد که نگرانی و نزاع جدی در کار نیست، بلکه اینها مشکلات و اختلاف‌های سلیقه‌ای جزئی است که در پی یافتن راه حل برای آنها هستیم و پایدار نیستند. (۱)

ص: ۴۶

سه - هماهنگ نبودن رفتار با گفتار

با توجه به اینکه منش ها و باورهای دینی و اخلاقی کودکان و نوجوانان در محیط خانه شکل می گیرد، دوگانگی گفتار و رفتار پدر و مادر، در روند تربیت آنان اختلال می آفریند. چنانچه گفتار والدین و دیگر مربیان تربیتی، با عمل آنان همراه نشود، چندان اثری نخواهد داشت. خداوند در قرآن کریم، گفتاری را که پشتوانه عملی ندارد، نکوهش می کند و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. (صف: ۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوید که عمل نمی کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید.

و در آیه ای دیگر درباره بنی اسرائیل می فرماید:

اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ. (بقره: ۴۴)

آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، ولی خود را فراموش می کنید، با اینکه شما خودتان کتاب [آسمانی] را می خوانید؛ آیا هیچ فکر نمی کنید؟

و به گفته سعدی:

عالمی را که گفت باشد و بس

هر چه گوید، نگیرد اندر کس (۱)

مراد از اینکه گفتار بی عمل اثر ندارد، این است که اثر مثبت ندارد، حال آنکه در جهت عکس، بسیار مؤثر است و آسیب های فراوانی بر تربیت فرزندان دارد، از جمله اینکه باور فرزندان را متزلزل می کند و به اعتماد آنان ضربه می زند. این بی اعتمادی به دیگر ابعاد زندگی آنان سرایت می کند، باورهای انسانی و دینی آنها را خدشه دار می سازد، والدین را نزد آنان از

ص: ۴۷

اعتبار می اندازد، در آنان تنفر ایجاد می کند و آنان را بر گناه و دروغ گویی جرئت می بخشد و دورویی می آورد.

چهار - نظارت و مراقبت نکردن

چهار- نظارت و مراقبت نکردن

برخی پدران و مادران، فرزندان خود را رها کرده اند و از تربیت دینی و اخلاقی آنان غافل هستند، حتی در برابر بزهکاری های آنان برخورد و واکنشی درست از خود نشان نمی دهند. چنین روشی به انحطاط فرزندان می انجامد و از آنان افرادی لاابالی، خیره سر، لوس، غیرمنضبط و سرکش بار می آورد. نظارت و مراقبت نداشتن بر فرزندان، زیان های جبران ناپذیری در پی دارد که نه فقط متوجه خانواده و والدین می شود، بلکه اجتماع را نیز دچار مشکل می کند و حتی سبب ایجاد اخلاق فاسد میان دوستان و هم سن و سالان آنها نیز می شود.

پنج - مقایسه کردن کودکان با یکدیگر

پنج - مقایسه کردن کودکان با یکدیگر

نکته مهمی که پدران و مادران همواره باید به آن توجه داشته باشند، اصل تفاوت های فردی است. بدین معنا که انسان ها همان گونه که از نظر شکل ظاهری، اجزای صورت و ساختمان بدنی با یکدیگر تفاوت دارند، در استعداد های درونی و توانایی ها نیز با یکدیگر متفاوت هستند. توجه به اصل تفاوت های فردی، یکی از سرلوحه های اصلی برنامه های آموزشی و پرورشی جدید است که می تواند راهگشای بسیاری از مسائل مربوط به تعلیم و تربیت باشد.

بدین ترتیب، پدران و مادران در محیط خانه و معلمان و مربیان نیز در محیط های آموزشی، باید اصل تفاوت های فردی را از یاد نبرند و از

مقایسه فرزندان و دانش آموزان خود با یکدیگر بپرهیزند. بدیهی است بی توجهی در این باره بی آمدهای ناگواری را برای متعلمان به همراه دارد.

جبران خلیل جبران، آثار بی توجهی به چنین مسئله ای را در حکایتی به نام «دیوانه» این گونه بیان می کند:

در باغ دیوانه خانه ای، جوانی رنگ پریده و جذاب و شگفت انگیز را دیدم، روی نیمکتی کنار او نشستم و گفتم: چرا اینجا ای؟ مرد با تعجب به من نگاه کرد و گفت: چه سؤال عجیبی؟! اما جوابت را می دهم. پدرم می خواست مثل او باشم. عمویم می خواست مثل خودش باشم. مادرم می خواست من تصویری از شوهر دریاوردش باشم و از او پیروی کنم. برادرم فکر می کرد باید مثل او ورزش کار ماهر باشم. استاد فلسفه، موسیقی و منطق هم می خواستند، مثل آنها باشم. مصمم بودند که من بازتاب چهره خودشان در آینده باشم. پس من اینجا آمدم؛ چرا که این مکان را سالم تر می دانم. دست کم می توانم خودم باشم. سپس ناگهان به طرف من برگشت و گفت: بینم، راه تو هم به خاطر تحصیلات و مشاوره خوب به اینجا ختم شده؟ پاسخ دادم، نه من بازدید کننده هستم و او گفت: آه. پس تو یکی از آنهایی هستی که در دیوانه خانه آن سوی این دیوار زندگی می کنند. (۱)

پیام این حکایت آن است که هرگز نباید توانایی ها و ناتوانی های افراد را با یکدیگر مقایسه کرد؛ زیرا مجموعه عواملی که موجب شکل گیری رفتار و شخصیت افراد می شود، با دیگران متفاوت است. توصیه می شود که حتی کودک را با خواهر، برادر، فرزندان بستگان و دوستانش نیز مقایسه نکنید.

ص: ۴۹

کودک غرور ویژه ای دارد و نزد همسالان و کودکان دیگر از آبرو و احترام خاصی برخوردار است. از این رو، وقتی شما کودکی را با دیگری مقایسه می کنید، در واقع، غرور او را می شکنید، به او بی احترامی می کنید، توانایی های او را نادیده می گیرید و ناتوانی هایش را به منظور تحقیر و سرزنش مطرح می کنید و به رخ او می کشید. (۱)

بنابراین، وظیفه پدران و مادران این است که زمینه مناسبی را برای رشد فرزندانشان فراهم آورند و هیچ گاه توانایی های آنان را بی ارزش ندانند، و بیش از توانشان نیز از آنان انتظار نداشته باشند. متأسفانه، بسیاری از والدین آرزوهای بی نتیجه خود را در وجود بچه های خود پی می گیرند و تصور می کنند اگر خودشان به هر علت، نتوانستند به پیشرفت های تحصیلی و شغلی دست یابند، فرزندانشان حتماً باید این کمبودها را جبران کنند. به همین دلیل، بدون آنکه متوجه باشند، استعدادهای فرزندان خود را سرکوب می کنند تا با توسل به زور و جبر آرزوهای خود را برآورده سازند.

شش - روش های تربیتی آسیب زا

اشاره

شش - روش های تربیتی آسیب زا

برخی آسیب ها در روش های تربیتی ریشه دارند که مهم ترین آنها عبارتند از:

اول - ناز پروردگی

اول - ناز پروردگی

محبت، نوازش های بیش از اندازه، جلوگیری از برخورد فرزندان با سختی و نازپرورده کردن آنان، آسیب های جدی برای تربیت دارد و فرزندان را ناتوان بار می آورد و در صحنه زندگی خلع سلاح می کند. از این رو، والدین نباید

ص: ۵۰

فرزندان خود را در رفاه بی اندازه قرار دهند، بلکه باید آنان را با کار و زحمت و سختی و شدت آشنا سازند.

زندگی، سراسر مبارزه با مشکلات است و در این راه، پستی ها و بلندی ها، محرومیت ها، ناکامی ها، شکست ها و مصیبت ها بسیار است. در این میان، مربی لایق کسی است که جسم و جان آدمی را به خوبی پرورش دهد و او را برای مبارزه و مقاومت در صحنه پرفشار زندگی مجهز کند. (۱) امام کاظم (ع) فرمود: «شایسته است که طفل در کودکی با سختی و مشکلات ذاتی زندگی روبه رو شود، تا در بزرگ سالی، بردبار و صبور باشد». (۲)

اسلام، پیروانش را از زیاده روی در محبت و نازپرورده کردن فرزندان برحذر داشته است. آنان که در مهرورزی و محبت به فرزندان، زیاده روی می کنند و با این روش، آنان را به بیماری خودپسندی مبتلا می سازند، نکوهش شده اند. امام باقر (ع) می فرماید: «شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ؛ بدترین پدران کسی است که در نیکی به فرزند زیاده روی کند». (۳)

گاه وقتی کودک با پیشامدی ناخوشایند روبه رو می شود و برای مثال، سرش به دیوار می خورد یا به زمین می افتد، منتظر واکنش والدین می ماند. پدر و مادر ناآگاه، در این گونه موارد با محبت های بیجا، مانند درآغوش گرفتن، بوسیدن و دست کشیدن بر عضو حادثه دیده، مراتب ناراحتی و تأثر خود را نشان می دهند و برای راضی کردن کودک گاه زمین و دیوار را کتک می زنند. طفل در این گونه موارد، دستاویزی جز گریه و آه و ناله ندارد و از

ص: ۵۱

۱- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۲۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۶.

۳- احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم، ج ۳، ص ۵۳.

این پس، او خود را در برابر هر پیشامدی مستحق نوازش می بیند. تکرار چنین محبت های بیجایی از سوی والدین، به تدریج، خودبینی و خودپسندی را در نهاد کودک رشد می دهد و او را حساس و نازپرورده می کند.^(۱)

دوم - رفتارهای تحقیرآمیز

دوم - رفتارهای تحقیرآمیز

اگر با فرزندان رفتاری تحقیرآمیز داشته باشیم، یا پیوسته آنها را سرزنش کنیم و در حضور دیگران به آنها احترام نگذاریم، به تدریج، فرزندان، خود را موجودی بی ارزش می پندارند و احساس کرامت و شخصیت خود را از دست می دهند. این احساس، سرآغاز سقوط است.

در برخی خانواده ها، پدر یا مادر با به کار بردن الفاظ طعن آمیز و گناه زشت و دور از ادب، فرزندان خود را در حضور دیگران تحقیر می کنند. آنان نمی دانند که با این کار، ویژگی ناپسند یادشده را به فرزندان خود تلقین می کنند و از آنان موجودات بی مقداری می سازند که آمادگی همه گونه پستی و انحراف را دارند. چنین خانواده هایی به دست خود بنای شخصیت فرزندان را ویران می کنند و آنان را به وادی انحراف و پستی می کشانند.^(۲)

رفتارهای تحقیرآمیز ممکن است با تمسخر و سرزنش و عیب جویی و ناسزاگویی صورت گیرد. هریک از این رفتارها شخصیت فرزندان را تخریب می کند و سدّ راه تربیت درست آنها می شود. احساس خودکم بینی، ضعف پایه های اعتماد به نفس، احساس گناه و شرمندگی، افسردگی و کناره گیری از

ص: ۵۲

۱- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۲۶.

۲- نک: دکتر احمد بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، ویرایش ۲، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

جامعه، کینه توزی و گرایش به پلیدی، نفاق و دورویی، از جمله پی آمدهای ناپسند این رفتارهاست.

سوم - اجبار و اکراه

سوم - اجبار و اکراه

برخوردهای تحکم آمیز و امر و نهی های لجاجت برانگیز، یکی دیگر از روش های آسیب زا در تربیت دینی و اخلاقی است. در این روش، والدین به جای صمیمیت و رفاقت با فرزندان، آنها را به انجام هر کاری مجبور می کنند. در خانواده هایی که از این روش استفاده می کنند، ارتباط با فرزندان بر پایه زور است و کودکان باید تنها آنچه را به آنها می گویند، انجام دهند. در غیر این صورت، احتمال دارد نخستین واکنش، تنبیه بدنی باشد. در این گونه خانواده ها، توجه به دیدگاه های فرزندان و گفت و گو با آنان درباره مسائل خانوادگی، نادر و حتی ناممکن است. سخن گفتن والدین با فرزندان، بیشتر حالت دستوری دارد و با انتقاد و تنبیه همراه است و از تشویق برای در پیش گرفتن رفتار مناسب خبری نیست. (۱)

شیوه هدایتی قرآن کریم، پرهیز از اکراه و اجبار است. قرآن کریم راه را نشان می دهد و انتخاب را بر عهده خود فرد می گذارد و پذیرش این دعوت را تحمیل نمی کند: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ در قبول دین، اکراهی نیست. [زیرا] راه درست از راه انحرافی، روشن شده است». (بقره: ۲۵۶)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید:

این آیه «دین اجباری» را نفی می کند؛ زیرا دین مجموعه ای از معارف علمی است که معارف عملی را در پی دارد و جامع همه اعتقادات است. اعتقاد و

ص: ۵۳

۱- محمدرضا قائمی مقدم، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، صص ۵۳ و ۵۴.

ایمان، از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد؛ زیرا اکراه تنها در افعال ظاهری و حرکات مادی و جسمانی مؤثر است، ولی اعتقاد قلبی برای خود، علت ها و سبب های قلبی دیگری دارد که از سنخ اعتقاد و ادراک است. محال است که برای مثال، جهل، علم را نتیجه دهد و یا مقدمه ای غیر علمی، تصدیقی علمی را در پی داشته باشد. (۱)

تربیت، عبارت است از ایجاد باور و رویاندن ایمان در دل فرزندان. به گفته شهید مطهری:

ایمان و اعتقاد را که با زور نمی شود ایجاد کرد. علاقه و مهر و محبت را نمی شود با زور ایجاد کرد، گرایش باطنی را که به زور نمی شود ایجاد کرد... بله، می شود آن قدر کتک زد تا بگوید فلانی را دوست دارم، یعنی حرفش را به دروغ بگوید، اما اگر تمام چوب های دنیا را به بدن او خرد بکنند، آیا ممکن است که با چوب دوستی ایجاد شود؟ چنین چیزی محال است. آن، راه دیگری دارد، راه آن حکمت است. «الموعظه الحسنه» است و «جادلهم بالتي هي أحسن» (۲) است (۳).

تربیت دینی و اخلاقی زمانی تحقق می یابد که برنامه های تربیتی با اقبال قلبی فرزندان روبه رو شود. اگر چنین اقبالی صورت نگیرد و برنامه های تربیتی با رویگردانی و بی توجهی روبه رو شود، تربیت ناکام خواهد ماند.

چهارم - خشونت و سخت گیری بیجا

چهارم - خشونت و سخت گیری بیجا

خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ اگر نسبت به مردم خشن و سنگ دل بودی، از پیرامونت پراکنده می شدند». (آل عمران: ۱۵۹)

ص: ۵۴

۱- علامه سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲- نک: نحل: ۱۲۵.

۳- مرتضی مطهری، سیره نبوی، ص ۲۲۵.

از این آیه برمی آید که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در برخورد با مردم، خشن و سخت گیر بود و مدارا نمی کرد، نمی توانست آنان را اصلاح کند و سبب می شد که مردم از پذیرش اسلام سر باز زنند و از نعمت هدایت محروم شوند.

این حقیقت را در خانواده و تربیت فرزندان نیز می توان یافت. چه بسا افرادی که قربانی خشونت والدین، به ویژه پدر شده و از تربیت سالم محروم مانده اند. این گونه افراد به علت برخوردهای خشن و زورگویانه، گرفتار عقده حقارت هستند و همین احساس، سرچشمه بسیاری از رفتارهای نادرست آنهاست.

رفتار خشونت آمیز پدر یا مادر، فضای خانه را از صمیمیت و همدلی خالی می کند و بذر کینه را در درون فرزندان می پاشد. کودکان یا نوجوانان راه گریزی ندارند و ممکن است در برابر خشونت والدین تسلیم شوند، اما آیا این وضع برای همیشه باقی می ماند؟ آیا فرزندی که همواره از سخت گیری های بی مورد و خشونت بیجای پدر و مادر رنج می برد، می تواند پیوند روحی و عاطفی با آنها برقرار کند و در کنارشان بماند؟^(۱) آیا با ایجاد خشونت می توان فرزندان را سالم تحویل جامعه داد؟

پنجم - تبعیض و بی عدالتی

پنجم - تبعیض و بی عدالتی

واکنش های متفاوت در برابر رفتارهای یکسان فرزندان، موجب بی اعتمادی و کاهش علاقه به پدر و مادر و ایجاد کینه به فرزندی است که بیش از دیگری مورد توجه قرار می گیرد.

ص: ۵۵

والدین باید بکوشند نه فقط در تشویق و تنبیه، بلکه در میزان توجه به فرزندان خود، به ویژه اگر اختلاف سنی زیادی دارند، به عدالت رفتار کنند. اگر بنا به علتی، یکی از آنها را بیشتر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند. فرزندان به این مسئله بسیار حساس هستند و تحمل آن برایشان دشوار است و در این شرایط، گاهی عقده خود را بر سر خواهر یا برادر کوچک تر خود خالی می کنند و با او با تندی و تحکم آمیز برخورد می کنند.

گاه بسیاری از مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، از این روست که احساس می کنند، پدر یا مادر به آنها علاقه و توجه کمتری دارد و چون نمی توانند اعتراض خود را آشکارا بیان کنند، آن را به صورت عقده ای در دل نگه می دارند. پس از چندی، این عقده عاطفی، به شکل های گوناگون از قبیل سرکشی، ستیزه جویی و اضطراب بروز می کند. گاه این گونه اشخاص، به افسردگی روحی دچار می شوند و موفقیت های درسی آنان کاهش می یابد. برخی از نوجوانان علت کج روی های اخلاقی خود را نگرانی های ناشی از همین آسیب بیان کرده اند.

در بعضی خانواده ها، والدین میان دختر و پسر تفاوت قائل می شوند و حتی گاهی این مسئله را به زبان می آورند و از اینکه مثلاً صاحب دختر شده اند، اظهار ناخشنودی می کنند و زن را موجودی بدبخت می دانند. برخی دیگر، جانب دختر را می گیرند و در صورت بروز اختلاف، همواره پسر را سرزنش می کنند. این گونه برخوردها، آثار تربیتی ویرانگری دارد و باید به کلی از آنها پرهیز کرد.

در روایت های اسلامی آمده است که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یاران خود می نشست، حتی در نگاه کردن به آنها نیز برابری را رعایت و نگاه خود را بین اصحاب تقسیم می کرد، در صورتی که گاه آنان از نظر معنوی در یک سطح نبودند و علاقه پیامبر نیز به یک اندازه نبود. (۱)

روزی مردی در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، یکی از دو پسر خود را بوسید. پیامبر اعتراض کرد و فرمود: «چرا میان آنان یکسان رفتار نمی کنی». (۲)

ششم - ترساندن کودک

ششم - ترساندن کودک

از بدترین آفت های تربیتی، ترساندن کودک است. کمتر عاملی مانند ترساندن، به روان کودک آسیب می رساند و با تأسف، این عمل نادرست در خانواده ها و جامعه رواج زیادی دارد. البته بعضی از آسیب های تربیتی، فقط در خانواده های ناآگاه وجود دارد، ولی این آفت خطرناک در بسیاری از خانواده ها به چشم می خورد. جای بسی تعجب است که میان افراد تحصیل کرده و اهل مطالعه، حتی کسانی که موضوع شغلی و تخصصی شان نیز کودک و تعلیم و تربیت است، این آسیب تربیتی وجود دارد.

ترساندن کودک از عناصر ساختگی چون لولو، غول، جن، مرده و هرچیز و هر کس دیگر و به هر شکلی که باشد، خلاف اصول تربیت درست است و آسیب های جبران ناپذیری به روان و اعصاب کودک می زند و هیچ توجیه عاقلانه ای ندارد.

ص: ۵۷

۱- علامه سید محمدحسین طباطبایی، سنن النبی صلی الله علیه و آله ، ترجمه: عباس عزیزی، ص ۸۶

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

ترساندن کودک از ابزارهای خطرناک موجود در خانه نیز به شیوه ای که میان مردم رواج دارد، درست نیست، بلکه باید خطر این وسایل را با توجه به سن و فهم کودک، برایش توضیح داد و از ترساندن او پرهیز کرد. البته باید اشیای خطرناک را از دسترس کودکی که هنوز درک کافی ندارد، دور کرد.

گفتمنی است ترسیدن خود والدین و بزرگ ترها در برخی موقعیت ها، ترس را در وجود کودک شکل می دهد. برای مثال، هنگامی که کودک چهره هراسان مادر را در برخورد با پدیده های غیرمنتظره می بیند، ناخودآگاه این ترس به کودک نیز منتقل می شود.

بسیاری از حالت های منفی و آنی مانند افسردگی، دلهره و پریشانی، از همین ترساندن ها سرچشمه می گیرد و انسان را در طول عمرش رنج می دهد. این عمل، از جرئت و شهامت انسان می کاهد و او را از دست زدن به کارهای بزرگ و سخت باز می دارد. همچنین استعداد و خلاقیت را در او سرکوب یا ضعیف می کند. کودک، پدر و مادرش را راست گو می داند و وقتی از آنان می شنود که «الان لولو می آید و تو را می خورد!» باور می کند و در یک دلهره همیشگی قرار می گیرد و پیوسته زندگی اش با ترس و اضطراب همراه می شود. (۱)

ص: ۵۸

۵. سیره اخلاقی و تربیتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با کودکان

اشاره

۵. سیره اخلاقی و تربیتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با کودکان

کودک به دلیل نزدیک بودن به مبدأ فطرت و داشتن ذهن و دلی پاک و بی آرایش، زمینه مناسبی برای تربیت پذیری دارد. او هدیه ای الهی است که با سرشت ساده و زلال خویش پا به جهان هستی می گذارد و از هرگونه زشتی و ناپاکی به دور است. این والدین و مربیان کودک هستند که با تربیت نادرست خویش، مسیر فطرت پاک و الهی او را منحرف می سازند. بنابراین، در برخورد با کودک باید ویژگی های ذاتی او را در نظر گرفت. مهربانی، نوازش و انس با کودک، نقش مهمی در تربیت و شکوفایی استعدادهای نهفته او دارد.

رسول گرامی اسلام، همواره از روی محبت و فروتنی، با بچه ها رفتار می کرد. او به استعدادهای فطری آنها توجه داشت و از رنجش و ناراحتی شان سخت آزرده می شد. در هم نشینی با کودکان، خود را همسان آنها قرار می داد و با آنان سرگرم بازی می شد و به دیگران نیز سفارش می کرد: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛ کسی که نزد او کودک است، باید کودکانه رفتار کند»^(۱).

ص: ۵۹

آن حضرت، حسنین(ع) را بر دوش خود سوار می کرد و به آنان می فرمود: «خوب مرکبی دارید و شما هم خوب سوارانی هستید».(۱)

پیامبر، هر روز که از خواب برمی خاست، دست محبت بر سر فرزندان خود می کشید.(۲) امام صادق(ع) از ایشان نقل می کند:

مَنْ قَبَلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.(۳)

آن کس که فرزند خود را ببوسد، خداوند حسنه ای در نامه عمل او می نویسد و هر کس که فرزندش را شاد کند، خدا او را در روز قیامت شاد خواهد کرد.

فرزندان امروز، پدران و مادران و مسئولان فردا هستند. اگر به قدر کافی و به شایستگی محبت نینند، به کمبود عاطفه دچار می شوند و در آینده، جامعه بانشاطی نخواهیم داشت.

الف) احترام والدین به کودکان

الف) احترام والدین به کودکان

کودکان در سنین مختلف، نیازمند توجه و احترام هستند. از این رو، والدین باید با دقت پاسخ گوی این خواسته آنها باشند. روح ظریف و حساس کودک، با کوچکترین حرکت نادرست، ناراحت و پژمرده می شود. پس باید از هرگونه تحقیر کودک و بازگویی عیب ها و خطاهای او، به ویژه در مهمانی ها و دیدارهای خانوادگی پرهیز کرد و با شیوه ای خردمندانه به تأیید و ویژگی های مثبت و تشویقش پرداخت.

برخی از والدین، به اشتباه می پندارند که پدر و مادر، حق هرگونه اعمال نظر سلطه جویانه بر فرزندان خود را دارند و به هر شیوه که بخواهند،

ص: ۶۰

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۶.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹.

می توانند با آنها رفتار کنند. در این زمینه، گفتار و کردار پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم (ع) با فرزندان خود، بزرگ ترین درس های تربیتی نسل بشر است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو بدارید تا از آمرزش الهی برخوردار شوید».(۱)

گفته اند روزی مردی در حضور پیامبر به خاطر کاری که فرزندش انجام داده بود، از او عیب جویی کرد. پیامبر به او فرمود: «فرزندت تیری از تیرهای تیردان توست(۲)». مفهوم این سخن، آن است که فرزندت، پاره تن تو و ذخیره آینده توست. تو با اهانت به شخصیت او، هم به خودت ضربه می زنی و هم کسی را حقیر می کنی که مددکار و پشتیبان تو در آینده خواهد بود و هر کار نیکی که انجام دهد، تو نیز در پاداش آن، شریک خواهی بود.

(ب) شاد کردن کودکان

(ب) شاد کردن کودکان

یکی از آموزه های مهم اسلام، مهرورزی و نشاط بخشی به کودکان است. بازی کردن پدر و مادر با کودک، خریدن پوشاک زیبا و مناسب، قصه گفتن هنگام خواب یا هدیه دادن، فرزند را خوشحال می سازد.

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برای نماز عازم مسجد بود. در راه با گروهی از کودکان انصار روبه رو شد که سرگرم بازی بودند. آنان تا آن حضرت را دیدند، دور او جمع شدند و به دامنش آویختند. پیامبر از یک سو نمی خواست آنها را برنجانند و از سوی دیگر باید خود را برای اقامه نماز جماعت به مردمی می رساند، که منتظرش بودند. آن حضرت صلاح را در آن دید تا از کودکان دلجویی کند. در این حال، بلال حبشی از مسجد بیرون آمد

ص: ۶۱

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۲- علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۸۴.

و به جست و جوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت. پس از مدتی، آن حضرت را کنار گروهی از کودکان یافت و جریان را فهمید. خواست کودکان را تنبیه کند، ولی پیامبر بزرگ اسلام او را از این کار نهی کرد و فرمود: «تنگ شدن وقت نماز، برای من بهتر از رنجاندن کودکان است.» آنگاه به بلال فرمود: «به خانه برو و آنچه از خرما یافتی، بیاور تا خود را از این کودکان بازخرید کنیم.» بلال رفت و بعد از جست و جو، هشت دانه گردو یافت و آن را به حضور پیامبر آورد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را میان کودکان تقسیم کرد و بدین گونه کودکان راضی شدند و آن حضرت را رها کردند. (۱)

ج) عدالت ورزی بین فرزندان

ج) عدالت ورزی بین فرزندان

از وظایف بسیار مهم پدران و مادران آن است که بکوشند همواره بر اساس عدالت و برابری میان فرزندان خود رفتار کنند و هیچ گاه در محبت و توجه کردن به فرزندان، پسر را به دختر یا فرزندی را بر فرزندان دیگر مقدم ندارند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «از خدا بترسید و میان فرزندان با عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند.» (۲)

تنها نقطه امید و مایه شادی و آرامش کودک، محبت و حمایت پدر و مادر است. هیچ کاری به اندازه محبت والدین، کودک را آسوده خاطر نمی کند و هیچ مصیبتی مانند دور شدن از محبت والدین، روح و روان او را آزرده نمی سازد. به همین دلیل، حسادت کودک به فرزند تازه متولد شده خانواده، تعجب آور نیست؛ زیرا می پندارد از بخشی از مهربانی ها و مراقبت هایی که تاکنون متعلق به وی بوده است، محروم خواهد شد. والدینی که در ابراز علاقه و محبت به

ص: ۶۲

۱- غلام رضا نیشابوری، داستان ها و حکایات مسجد، ص ۴۶.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۵.

کودکانشان، عدالت را رعایت نمی کنند و هر از گاهی، یکی را بر دیگری ترجیح می دهند، در واقع، آنها را تحقیر و به شخصیت آنان اهانت می کنند و به کودک این گونه القا می کنند که تو شایستگی احترام و محبت را نداری.

چه زیباست اگر والدین در برخورد با کودکان خود احتیاط را رعایت کنند و در رویارویی با آنان، با پرهیز از هرگونه تبعیض، ویژگی های روحی، روانی و جسمی فرزندان خود را در نظر بگیرند.

تفاوت میان فرزندان به ویژه در سنین کودکی، آنها را ناراضی و روحیه شان را خراب می کند و به بیماری های روانی دچار می سازد. گاهی نیز کودک را به انتقام جویی از برادر، خواهر یا والدین خود برمی انگیزد و او را به فردی کینه توز تبدیل می کند.

(د) پرورش سخاوت در وجود کودک

(د) پرورش سخاوت در وجود کودک

بخشش و سخاوت، یکی از صفات نیک و پسندیده اخلاقی است. انسان با سخاوت، در تهیه مال و ثروت می کوشد، ولی به آن دل بسته نمی شود و در مواقع لزوم، به دیگران کمک می کند. دین مقدس اسلام، سخاوتمندان را می ستاید و به چنین انسان هایی، وعده بهشت می دهد. رسول گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْأَسْحِيَاءِ؛ در بهشت، خانه ای است که به آن، خانه سخاوتمندان گفته می شود».^(۱)

جود و سخاوت مانند دیگر صفات نیک، ریشه فطری دارد، ولی پرورش آن، تا اندازه ای در اختیار پدر و مادر است. درست است که هر کودک آفرینش ویژه ای دارد، ولی خاستگاه تربیتی او بسیار مؤثر است. پدر و مادر با کفایت و دانا می توانند از علل و عوامل بخل و حسد جلوگیری کنند و نهال

ص: ۶۳

۱- مهدی بن ابی ذر نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۱۴.

صفا و صمیمیت و سخاوت را در نهاد کودکان پیورند. پدر و مادر برای کودک خود الگو و سرمشق هستند؛ یعنی کودک، از اخلاق و رفتار والدین خویش سرمشق می‌گیرد. پس اگر پدر و مادر سخاوتمند باشند و در کارهای خیر شرکت کنند، کودک نیز هنگامی که رفتار والدین خود را می‌بیند، از آنان تقلید می‌کند و این کار به تدریج برای او به صورت امری عادی و خوشایند در می‌آید. (۱)

پدر و مادر برای پرورش نهال سخاوت و بخشش در وجود فرزند خویش می‌توانند از روش‌های زیر استفاده کنند:

۱. به کودکان پیشنهاد کنید مقداری از چیزهایی را که به خودشان تعلق دارد، به پدر و مادر یا خواهر و برادر خود ببخشند و آنگاه با تشکر از آنان، آنها را تشویق کنید تا رفته رفته به بخشش عادت کنند. توجه داشته باشید ممکن است این امر در ابتدا برای بچه‌ها دشوار باشد، ولی اگر گاه‌گاه صورت گیرد و مقدار آن کم باشد، کم‌کم برای آنها به صورت عادت درمی‌آید.

۲. از کودکان بخواهید از پول توجیبی خودشان به تهی‌دستان کمک کنند. یا مقداری پول به صندوق صدقات بپردازند؛ زیرا با این عمل، به آنها آموزش داده می‌شود که کار خیری انجام دهند و کودکان هم سن و سالشان را خوش حال کنند.

۳. گاهی به کودک پیشنهاد کنید وقتی با دوستانش هم بازی می‌شود، با تقسیم میوه یا بیسکویت در میان دوستان خود، از آنها پذیرایی کند. این کار سبب می‌شود حس نوع دوستی در نهاد کودک تقویت شود و در مواقع ضروری به دیگران کمک کند.

ص: ۶۴

ه- سلام کردن به کودک

ه- سلام کردن به کودک

یکی از راه های احترام به افراد که پیوسته در زندگی روزانه تکرار می شود، سلام کردن است. در همه کشورهای جهان، جمله ها و عبارت های مخصوصی برای درود و تحیت وضع شده است که افراد در نخستین برخورد با یکدیگر آن را ادا می کنند. در آموزه های اخلاقی اسلام، سلام یکی از سنت های مؤکد است، به گونه ای که وقتی دو نفر مسلمان به هم می رسند، وظیفه دارند پیش از آغاز گفت و گو، سلام کنند.^(۱) در محیط خانواده، کودک را به دو صورت می توان با این وظیفه اخلاقی آشنا کرد: نخست، از راه تقلید از پدر و مادر و بزرگ ترها و دوم، از راه آموزش مربی، تا کودک بیاموزد که حتماً باید به بزرگ ترها سلام کند.

باید توجه داشت به هر نسبتی که در خانواده به کودک احترام گزارده شود و به شخصیت او توجه شود، اطاعت او از پدر و مادر بیشتر خواهد بود و در مقابل دیگران، ادب را بهتر رعایت می کند. اگر کودک به بزرگ تر سلام کرد، لازم است سلام او، به گرمی پاسخ داده شود؛ زیرا با این عمل، کودک احساس می کند دیگران برای او احترام بسیاری قائلند. برعکس، اگر به کودک توجه نکنند و جواب سلام او را ندهند، کودک از این بی اعتنایی آزرده خاطر می شود؛ زیرا احساس می کند او را تحقیر کرده اند.

رسول گرامی اسلام حتی از این نیز قدم را فراتر می گذاردش و با وجود مقام شامخی که در جامعه داشت، خود به کودکان سلام می کرد و به این وسیله، شخصیت آنان را تکریم می کرد. از انس بن مالک روایت شده است:»

ص: ۶۵

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رهگذری چند کودک خردسال را دید. سپس به آنها سلام کرد و طعامشان داد». (۱)

سلام کردن به کودک، دو اثر روانی دارد: نخست برای سلام کننده که سبب تقویت خوی پسندیده تواضع و فروتنی در نهاد او می شود و نیز برای کودک که سبب احیای شخصیت و تقویت استقلال اوست. کودکی که پدر و مادرش به او سلام کنند، لیاقت و شایستگی خود را باور می کند و از اهمیت خود و نیز ارزشمند بودن سلام آگاه می شود.

(و) گذاشتن نام نیک بر کودک

(و) گذاشتن نام نیک بر کودک

بی تردید، نامی که برای فرزند خود برمی گزینیم، آثار روانی منفی یا مثبتی در نهاد او دارد. نام نیکو و زیبا ممکن است الهام بخش نیکویی ها و خوبی های فردی باشد که پیش از این، آن نام را برگزیده است و برعکس، نام بد و زشت تداعی کننده شرارت و بدی فردی باشد که پیش از این، آن نام بر او نهاده شده است.

از جمله حقوق فرزندان که برعهده پدر نهاده شده، انتخاب نام نیکو برای فرزند است. نام نیک، رح اعتماد به نفس کودک را تقویت می کند و سبب سربلندی و سرافزایی او در جامعه می شود. برعکس، گزینش نام بد و انتخاب اسم ها افراد پست و ناپاک تاریخ، اسباب سرافکنندگی و حقارت او را فراهم می سازد و وی را به انواع عقده های روانی گرفتار می کند.

حضرت ابوطالب (ع) در هفتمین روز تولد برادرزاده اش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، خویشاوندان را گردآورد و گوسفندی را قربانی کرد. پرسیدند: این قربانی برای چیست؟ پاسخ گفت: این عقیقه احمد است. باز پرسیدند:

ص: ۶۶

چرا نام او را احمد نهادی؟ جواب داد: «برای اینکه او ستوده اهل آسمان و ساکنان شود.»^(۱) امام صادق (ع) بر این اساس فرمود:

موقعی که احساس کردید همسر شما باردار شده است، در چهارمین ماه بارداری، او را به سوی قبله بنشانید و ضمن خواندن آیت الکرسی، دست به پهلوئی او زنید و بگویید: خدایا! من نام او را محمد نهادم.^(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «روی بچه هایتان اسامی انبیا را بگذارید و بهترین نام ها، عبدالله و عبدالرحمان است.»^(۳)

روزی که پیامبر گرامی اسامی به پیامبری برانگیخته شد، بسیاری از شهرها و آبادی ها نام های بدی داشتند و همچنین بسیاری از قبایل عرب، با لقب های زشت و زننده، مشهور شده بودند. دولت های عرب نیز برای فرزندان خود، نام ها و لقب های زننده ای انتخاب کرده بودند که از غارت و درنده خویی حکایت می کرد. به همین دلیل، پیامبر اسلام دستور داد نام بسیاری از شهرها، روستاها، بخش ها و نیز لقب بسیاری از قبایل و افراد تغییر دهند و نام زیبا و برازنده ای برای آنان انتخاب کند. همچنین فرمان داد پدران برای کودکان خود نام های نیکو انتخاب کند.^(۴)

شایسته است پدران و مادران عزیز، اهمیت و ارزش نام نیک را درک کنند و برای کودکان خود، نام شایسته ای برگزینند تا برای آینده فرزندان شان مایه سربلندی و حس اخلاق باشد و فرزندان، با احساس بزرگی و رضایت از نام خود، برای والدین خویش دعای خیر کنند.

ص: ۶۷

۱- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، ص ۲۲۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۱۱۳.

یکی از برخوردها نادرستی که در برخی از خانواده ها رایج است، کودک آزاری است. این عمل در تاریخ بشر، سابقه ای طولانی دارد و عامل این کار، گاهی والدین، زمانی برادر یا خواهر یا ممکن است افراد دیگر باشند هر نوع رفتار غیر منطقی که سبب رنجش کودکان شود، کودک آزاری است. تنبیه بیش از حد جسمی و روانی، دشنام، تحقیر، توهین، بیرون راندن از خانه، داغ کردن با سیگار، زندانی کردن در دست شویی و حمام و بسیاری از رفتارها نکوهیده دیگر، کودک آزاری به شمار می آید.

کمیته پیش گیری از کودک آزاری در سال ۱۹۸۳ م.، بدرفتاری یا سوءرفتار عاطفی را چنین تعریف کرده است: «هرگونه فشار افراطی و پرخاشگرانه نامعقول والدین که فراتر از توان کودک باشد، بدرفتاری و کودک آزاری است».^(۱)

کودک آزاری به دو گونه جسمی و روحی قابل تفکیک است که البته آزار روانی، زیان بارتر از آزار جسمی است و پیامدهای آن در جوانی و بزرگ سالی به صورت ضد اخلاق آشکار خواهد شد. در برخی فرهنگ ها، برای فرزندان خردسال هیچ گونه اعتباری قائل نیستند، به گونه ای که لباس کهنه بر تن آنان می پوشانند، غذای نامرغوب به آنها می دهند، از حضور آنها در جمع میهمانان جلوگیری می کنند، از بازی و اسباب بازی محرومشان می کنند، در مسافرت ها، صندلی مستقلی برایشان در نظر نمی گیرند و آنها را در برابر کوچک ترین لغزش، به باد کتک می گیرند.^(۲) از

ص: ۶۸

۱- به نقل از: والدین و فرزندان، ص ۱۲۱.

۲- والدین و فرزندان، ص ۱۲۱.

همه بدتر، بعضی از پدران و مادران بدون توجه به پیامدهای منفی تبعیض میان فرزندان، به فرزندان خود و نسل آینده بشر چنین ستم هایی روا می دارند. در مقابل، پدران و مادرانی هم هستند که در حسرت یک فرزند لحظه شماری می کنند و از خدا می خواهند که به آنها فرزندی عنایت فرماید تا شور و نشاط بر زندگی شان حاکم شود.

ح) آموزش اصول دینی

ح) آموزش اصول دینی

عبدالرحمان سلمی به فرزند امام حسین (ع) سوره حمد را آموخت. وقتی کودک در حضور پدر، سوره حمد را خواند، امام حسین (ع) افزون بر پول نقد و پارچه ای که از راه حق شناسی به معلم داد، دهان آموزگار را پراز در کرد. حاضران از این همه بخشش به شگفت آمدند و دلیل آن را از حضرت جویا شدند. امام حسین (ع) در پاسخ فرمود: «کجا پاداش مالی من، با عطاء آموزش این معلم برابر می کند»؛ یعنی خدمت تعلیم سوره حمد از عطاء مالی من ارزنده تر است. (۱)

آموزش مبانی اسلامی به کودکان، به اندازه ای مورد توجه پیشوایان گرامی اسلام بوده است که آشکارا از پدران و مادرانی که به تربیت دینی کودکان خود بی اعتنا هستند، دوری جسته و آنها را وابسته به خود ندانسته اند. بنابراین، شایسته است والدین عزیز برای رشد معنوی فرزندان خود، آنها را با آموزه های روح بخش اسلام به ویژه یادگیری و حفظ سوره های قرآن آشنا سازند تا به مرور در ذهن آنها ماندگار شود و آنگاه که بزرگتر می شوند سوره های بیشتری از قرآن را فرا گیرند. بهتر است والدین، فرزندان خود را

ص: ۶۹

تشویق کنند تا آنان با علاقه بیشتری به قرآن گوش فرا دهند و آیات آن را حفظ کنند. حفظ سوره های قرآن و بیان معانی آن برای کودکان سبب می شود کودکان از همان ابتدا سپاس گزار نعمت های خداوند باشند.

ص: ۷۰

۶. دیدگاه برخی اندیشمندان اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت

در باب بیست و هفتم قابوس نامه، در پروردن فرزند تأکید شده است که به فرزندان، نامی نیکو دهند و آنها را به دایه های عاقل و مهربان بسپارند و پس از تعلیم قرآن، سواری و استفاده از اسلحه و راه نگهداری آن را به آنها بیاموزند. سپس فنون شنا کردن، تبر و زوبین انداختن و نیزه باختن و چوگان زدن و کمان افکندن و دیگر هنرها را آموزش دهند. در این کتاب چنین می خوانیم:

در فضل خویش و هنر فرزندان، تقصیر نباید کردن و در آموختن، حریص باید بودن و اگر معلمان، فرزند تو را از بهر تعلیم بزنند، بر آن شفقت مبر و بگذار تا بزنند که کودک علم و هنر و ادب را به چوب آموزد، نه به طبع. اما اگر از کودک بی ادبی آید و تو از وی به خشم شوی، به دست خویش، وی را مزن و به معلمان او را بترسان و ادب ایشان را فرمای تا بکنند، تا کینه تو، او را در دل نماند، اما تو به روی همیشه به هیبت باش و سیم و زر... در بیخ مدار تا از برای سیم، مرگ تو را نخواهد. چون پسر بالغ گشت، در وی بنگر، اگر صالح بود و دانی که شغلی تواند کرد، تدبیر زن خواستن او کن و زن از بیگانگان خواه تا بیگانه را خویش کرده باشی و اگر دانی که پسر، سر کدخدایی و روزبهی ندارد، دختر

مسلمانی را در بلا میفکن که هر دو از یکدیگر رنج بینند. بگذار تا بزرگ شود، چنان که خواهد کند. (۱)

در کتاب کلیله و دمنه نیز تأکید شده است:

معلمان و اساتید رشته های مختلف در کنار تعلیم و تربیت دیگران، هرگز نباید از بالا بردن سطح دانش و فرهنگ خویش غفلت ورزند. پس در تعلیم دیگران اگر به افادت دیگران مشغول شود و در نصیب خویش غفلت ورزد، همچون چشمه ای باشد که از آب او همگان را منفعت حاصل آید و او از آن بی خبر. البته هر جا که سخن از تعلیم به میان آید، مراد تعلیم سودمند است. (۲)

الف) نظر ابن سینا

الف) نظر ابن سینا

ابن سینا بر مبنای دیدگاه های ابن مقفع و فارابی، درباره تعلیم و تربیت اولاد چنین می گوید:

پدر و مادر باید برای فرزندان خود نامی نیکو انتخاب کنند و دایگان شایسته برگزینند. شیر نیز در مزاج و صحت او تأثیری بسزا دارد و باید پدر و مادر از هنگام از شیر باز گرفتن که کودک برای هرگونه تربیتی آمادگی دارد، به تربیت او همت گمارند. باید مریبان، سختی و نرمی و تشویق و ترهیب به هم آمیزند و چون اقتضا کند، از زدن باز نایستند. برای تعلیم، معلمی خردمند و پسندیده خصال برگزینند؛ آموزگار باید خوش رو، باوقار و پاکیزه باشد... باید پدر و مادر سعی کنند فرزندانشان با بزرگان و صاحبان اخلاق نیکو هم درس باشند؛ که کودک از کودک تقلید کند و بدو انس گیرد و باید پس از آموختن سواد، صنعتی بیاموزد و این صنعت بر وفق میل و استعداد طبیعی ایشان باشد. بر پدر و مادر واجب است که چون فرزندشان صنعتی آموخت، برای او زن بگیرند و

ص: ۷۲

۱- کیکائوس بن اسکندر، عنصر المعالی، قابوس نامه، تصحیح: غلام حسین یوسفی، ص ۱۳۴.

۲- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۲۸.

آنگاه او را به حال خود رها کنند که نشاید فرزندان همواره بار دوش پدران خود باشند. (۱)

ابوعلی سینا، پنج اصل را در تعلیم و تربیت مهم می‌داند: ایمان، اخلاق خوب، سواد، هنر و پیشه. «طفل را باید از شش سالگی به مکتب فرستاد. در ضمن تحصیل، از ورزشی که برای سلامت بدن لازم است و پیشه هنر که برای امرار معاش لازم است، نباید غفلت کرد». (۲)

(ب) نظر فردوسی و ناصر خسرو

(ب) نظر فردوسی و ناصر خسرو

فردوسی درباره چگونگی تعلیم و تربیت و راه و رسم تنبیه و تأدیب نوآموزان می‌گوید:

روا باشد از پند من بشنوی

که آموزگار بزرگان تویی

کسی کاو بود سوده (۳) روزگار

نباید به هر کارش آموزگار

هنر، مایه و گوهر نامدار

خرد یار و فرهنگش، آموزگار

ناصر خسرو، نخستین شرط تعلیم دادن و پرورش دیگران را خودآموزی یا خودآموختن می‌داند و با صراحت می‌گوید:

چو نیاموختی، چه دانی گفت

که به تعلیم شد جلیل، (۴) جریر

ص: ۷۳

۱- حنا قاخوری و خلیل الجرد، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، به نقل از: سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا،

ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ص ۵۱۲، به نقل از: سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۳۶.

۲- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، به نقل از: سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۳۷.

۳- سوده: آزموده، رنجیده.

۴- جلیل: در اینجا به معنی تازه کار.

و مراد او از جریر، ابوجعفر بن محمد بن جریر طبری، مورخ و دانشمند معروف قرن سوم هجری است.

ج) نظر غزالی

ج) نظر غزالی

غزالی در کیمیای سعادت، ذیل عنوان پروردن و ادب کردن کودکان، مطالبی ذکر می کند که از روش تعلیم و تربیت کودکان در حدود قرن پنجم هجری حکایت دارد. قسمت هایی از آموزه های او را نقل می کنیم:

بدان که فرزند امانتی است اندر دست مادر و پدر، و دل وی پاک است چون جوهر نفیس و نقش پذیر چون موم، و از همه نقش ها خالی است و چون زمین پاک است که هر تخم اندر وی افکنی بروید؛ اگر تخم خیر افکنی، به سعادت دین و دنیا رسد و مادر و پدر و معلم اندر ثواب شریک باشند و نگاه داشتن وی آن بود که وی را به ادب دارد و اخلاق نیکو به وی آموزد و از قرین بد نگاه دارد که اصل همه فسادها از قرین (رفیق) برخیزد و او را اندر تنعم و جامه نیکو آراستن خون کند که آنگاه از آن صبر نتواند کردن و همه عمر، اندر طلب آن ضایع کند... باید که ادب خوردن آموزد تا به دست راست خورد و بسم الله بگوید و به شتاب نخورد و بسیار نخورد و خرد بچود و چشم بر لقمه دیگران ندارد و تا یک لقمه فرو نبرد، دست به دیگر دراز نکند و گاه نان تهی دهد، تا همیشه با نان و خورش خو نکند... و کودک با ادب را ثنا گوید، تا رگ مباهات در وی بجنبد و وی نیز چنان کند. پدر باید حشمت خویش با وی نگه دارد و مادر، وی را به پدر ترساند و نگذارد که به روز بخسبد که کاهل شود و شب بر جای نرم ن خواباند تا تن وی قوی شود. چون ابتدا با ادب پرورند، این سخن ها چون نقش اندر سنگ باشد و اگر فرا گذاشته باشند، چون خاک از دیوار فرو ریزد. (۱)

ص: ۷۴

(د) نظر نظامی گنجوی

(د) نظر نظامی گنجوی

نظامی در هفت پیکر، به فرزند خود، راه دوست گزینی و هنرآموزی، نتیجه تنبلی و تن آسایی و حاصل تلاش و کوشش آدمی را با بیانی ساده و دل نشین تعلیم می دهد.

ای پسر هان، هان تو را گفتم

که تو بیدار شو که من خفتم

سکه بر نقش نیک نامی بند

کز بلندی رسی به چرخ بلند

صحبتی جوی کز نکو نامی

در تو آرد نکو سرانجامی

گوهر نیک خود ز عقد مریز

وان که بد گوهر است، از او بگریز

هنر آموز کز هنرمندی

ص: ۷۵

در گشایی کنی، نه در بندی

هر که ز آموختن ندارد ننگ

دُر بر آرد ز آب و لعل از سنگ

ای بسا تیز طبع کاهل کوش

که شد از کاهلی، سفال فروش

وی بسا کوردل که از تعلیم

گشت قاضی القضاة هفت اقلیم

آب حیوان نه آب حیوان است

جان با عقل و عقل با جان است

تا جوانی و تندرستی هست

آید اسباب هر مراد به دست

ص: ۷۶

تو که سرسبزی جهان داری

ره کنون رو که پای آن داری

در لیلی و مجنون، نیز فرزند خود را به کار و کوشش و غنیمت شمردن فرصت فرا می خواند:

ای چارده ساله قره العین

بالغ نظر علوم کونین

آن روز که هفت ساله بودی

چون گل به چمن حواله بودی

و اکنون که به چارده رسیدی

چون سرو به اوج سر کشیدی

غافل منشین، نه وقت بازی است

وقت هنر است و سرفرازی است

ص: ۷۷

دانش طلب و بزرگی آموز

تا به نگرند، روزت از روز

چون شیر به خود سپه شکن باش

فرزند خصال خویشان باش

دولت طلبی، سبب نگه دار

با خلق خدا ادب نگه دار

می کوش به هر ورق که خوانی

کان دانش آن تمام دانی

نظامی در مخزن الاسرار، در ستایش نوع دوستی و مهرورزی، چنین داد سخن می دهد:

عمر به خشنودی دل ها گذار

تا ز تو خشنود شود کردگار

در دستان کن و درمان دهی

ص: ۷۸

رنج خود و راحت یاران طلب

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش

چون مه و خورشید جوانمرد باش

هر که به نیکی عمل آغاز کرد

نیکی او روی بدو باز کرد

گنبد گردنده ز روی قیاس

هست به نیکی و بدی حق شناس

نظامی در اسکندرنامه تعلیم می دهد که در زندگی، منشأ کار و تلاش باشیم و همواره در راه سعادت زندگانی بکوشیم و از دل بستن به مردگان خودداری کنیم.

به سقراط گفتند کای هوشمند

چو بیرون رود جان از این شهر بند

فروماند از جنبش اعضای تو

ص: ۷۹

کجا به بود ساختن جای تو

تبسم کنان گفت آن اوستاد

که بر رفتگان دل نباید نهاد

گرم باز یابید، گیرید پای

به هر جا که خواهید، سازید جای

ص: ۸۰

۷. نکته هایی درباره تربیت فرزندان

۷. نکته هایی درباره تربیت فرزندان

اگر سلوک و رفتار با کودک با نام و یاد خدا همراه باشد، کودک خداشناس بار می آید.

اگر رفتار با کودک با تشویق و تحسین همراه باشد، فرد متکی به نفس بار می آید.

اگر رفتار با کودک، با دوستی و صداقت همراه باشد، کودک درستی و راست گویی را می آموزد.

اگر به قول هایی که به فرزند خود داده اید، عمل کنید، فرزند شما وفای به عهد و اهمیت آن را می آموزد.

اگر فرزندان را به قدر کافی در بازی های گروهی شرکت دهید، فردی اجتماعی بار می آید.

اگر سلوک و رفتار با کودک، با عدالت همراه باشد، کودک، عدالت خواهی را می آموزد. (۱)

اگر مقررات اجتماعی را به اندازه کافی رعایت کنید، فرزند شما رعایت کردن حقوق دیگران را می آموزد.

ص: ۸۱

۱- حسین کریمیان، بررسی رفتار در روان شناسی تربیتی، ص ۱۲۴.

اگر فرزند شما در دوران رشد خود احساس امنیت و ایمنی کند، فردی استوار و ثابت قدم بار می آید.

اگر در برابر زحمت ها و خدمت های دیگران و فرزندتان سپاس گذاری کنید، فرزندتان می آموزد که قدرشناس زحمت دیگران باشد.

اگر به پرسش های فرزندتان، از روی حوصله و شکیبایی، دقیق و ساده پاسخ دهید، فرزندتان به یادگیری و آموختن علاقه مند می شود. (۱)

اگر رفتارتان با کودک با دشمنی و بدخلقی همراه باشد، کودک کینه توزی را می آموزد.

اگر سلوک و رفتار با کودک با توجه و تأیید بیش از اندازه همراه باشد، فردی از خودراضی و خود بزرگ بین بار می آید.

اگر رفتار با کودک، با استهزا و ریشخند همراه باشد، فردی خجالتی و متزلزل بار می آید.

اگر رفتار با کودک، با سرزنش و تحقیر همراه باشد، فردی گوشه گیر بار می آید.

اگر رفتار با کودک، با زور و پرخاش همراه باشد، فردی مضطرب و پرخاشگر بار می آید. (۲)

(بسیاری از نابسامانی های روانی و اخلاقی انسان، بر اثر تربیت نادرست او در دوران کودکی است. اگر خانواده با اصول و روش صحیح تربیت کودک آشنا باشد و آنها را به کار بندد، در دوره جوانی او، با مشکلات کمتری روبه رو خواهد شد. (۳)

ص: ۸۲

۱- حسین کریمیان، بررسی رفتار در روان شناسی تربیتی، ص ۱۲۵.

۲- حسین کریمیان، بررسی رفتار در روان شناسی تربیتی، ص ۱۲۶.

۳- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۰.

(گرایش به استقلال، لازمه رشد کودک است. بنابراین، پدر و مادر باید آزادی های لازم را به او بدهند و آزادی او را محترم بشمارند، ولی در این باره نباید زیاده روی کرد؛ زیرا دادن آزادی های بیش از اندازه، سبب می شود کودک به موجودی هوس باز و بی بندوبار تبدیل شود. (۱)

(باید از دادن پاسخ های نادرست به کودک پرهیز شود. (۲)

(در پاسخ دادن به پرسش های کودک، نباید دروغ گفت یا ندانسته، چیزهای موهومی را به او آموخت. (۳)

(بازی، حس کنجکاوی و خلاقیت کودک را برمی انگیزد و به رشد ذهنی او کمک می کند. ضمن آنکه کودکان را هنگام بازی، بهتر می توان شناخت. (۴)

(یکی از روش های پرورش شخصیت کودکان، شرکت کردن در بازی آنهاست. هم بازی شدن با کودک، افزون بر اینکه او را غرق لذت و شادی می کند، احساس ارزشمندی را در کودک تقویت می کند. همچنین در کنار بازی، بسیاری از اصول اخلاقی را می توان به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودک آموزش داد. (۵)

(کودکانی که در دوران هفت سال اول زندگی، زیاد تنبیه می شوند، در آینده مشکلات رفتاری بیشتری پیدا می کنند. (۶)

ص: ۸۳

- ۱- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۲.
- ۲- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۳.
- ۳- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۴.
- ۴- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۷.
- ۵- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۸.
- ۶- رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۹.

(والدین باید به گونه ای زمینه سازی کنند که محیط مدرسه برای کودک مکانی اضطراب آور نباشد. (۱))

(نباید انتظار داشت که کودک مطیع باشد یا همواره آرام و ساکت در گوشه ای کنار بزرگ ترها بنشیند. (۲))

به گفته ویل دورانت:

اگر از فرزندت ادب می خواهی، خودت مؤدب باش و اگر پاکیزگی می خواهی، خود پاکیزه باش. اگر به هنگام خشم، شدت به کار بری و سخنان درشت بگویی، از راه تقلید، گفتار زننده و سخت را در حافظه او نگاه خواهی داشت. اگر بخواهیم او درست کار شود، خود باید درستکار شویم. (۳)

ص: ۸۴

-
- ۱- رفتار والدین با فرزندان، ص ۲۰.
 - ۲- رفتار والدین با فرزندان، ص ۲۲.
 - ۳- لذات فلسفه، (پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر)، ص ۱۸۸.

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه

۱. افروز، غلام علی، روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۵.

۲. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

۳. به پژوه، احمد، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، تهران، نشر رویش، ۱۳۸۶.

۴. بهشتی، احمد، تربیت کودک در جهان امروز، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

۵. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.

۶. حسینی مرعشی تستری، قاضی سید نورالله، احقاق الحق، قم، مطبعه الخیام، بی تا.

۷. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۰.

۸. حیدری نراقی، علی محمد، والدین و فرزندان، قم، انتشارات مهدی نراقی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۹. دورانت، ویلیام جیمز، لذات فلسفه (پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر)، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶.
۱۰. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
۱۱. سادات، محمدعلی، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، تهران، انتشارات نگاه، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۳.
۱۲. سعدی شیرازی، ابومحمد شرف الدین مصلح بن عبدالله، گلستان سعدی، به اهتمام: محمدعلی فروغی، انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۳. شریف قریشی، باقر، نظام تربیتی اسلام، وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل تبلیغات فجر، ۱۳۶۲.
۱۴. شکوهی، محسن، رفتار والدین با فرزندان، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.
۱۵. صحیفه سجادیه، قم، المجمع العالمی لاهل البیت (ع)، ۱۴۲۳ هـ - ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم، ۱۴۱۷ هـ - ق.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ - ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

